



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

مجموعه گزارش‌های تخصصی آموزش عالی؛ شماره ۲۲

مردمی‌سازی تأمین مالی دانشگاه‌ها

پژوهشگر:

احمد رضا روشن

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

نام گزارش: مردمی‌سازی تأمین مالی دانشگاه‌ها؛ شماره ۲۲

پژوهشگر: احمدرضا روشن

ناظر: عبدالرضا باقری- معصومه قارون

ناظر فنی چاپ: پروین قشلاقی

صفحه‌آرایی: زهرا نوری

سال چاپ: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰ نسخه

نشانی: خیابان نلسون ماندلا، خیابان گلفام، شماره ۷۰، صندوق پستی: ۴۱۵۹-۱۹۳۹۵

تلفن: ۱۸-۲۲۰۱۰۶۱۶، دورنگار: ۲۲۰۵۰۳۳۸

وبگاه: www.irphe.ir، پست الکترونیکی: institute@irphe.ir

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و جز اینها برای ناشر محفوظ است.

(نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.)

مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در این گزارش بر عهده پژوهشگر است.

فهرست مطالب

ج	دیباچه
۵	چکیده
۱	مقدمه
۲	چرا تأمین مالی دانشگاه‌ها یک مسئله است؟
۵	وضعیت ایران
۶	تجربه برخی دانشگاه‌های کشور در زمینه کسب درآمد اختصاصی
۱۵	پیشینه تحقیق: یافته‌های چند مطالعه مرتبط
۱۹	عوامل اصلی و موانع عمده مشکلات مالی دانشگاه‌های ایران
۲۰	لزوم درک تفاوت بین Funding و Financing
۲۴	روش‌های جذب اهدای مالی یا Funding
۲۷	تأمین مالی مردمی اجتماعی (Crowd funding) چیست؟
۳۰	تأمین مالی اجتماعی برای دانشگاه
۳۰	مردمی‌سازی تأمین مالی دانشگاه از طریق تأمین مالی اجتماعی
۳۷	استفاده از تأمین مالی اجتماعی برای تحقیقات
۳۹	الزامات و پیش‌بایست‌های موفقیت جذب تأمین مالی اجتماعی
۴۱	سایر روش‌های مردمی‌سازی تأمین مالی آموزش عالی
۴۲	حدود و ثغور جذب منابع توسط دانشگاه‌ها
۴۵	لزوم توجه به آمایش مالی در دانشگاه
۴۷	نقش دولت در تأمین مالی
۶۰	منابع درآمدی برخی کشورها و دانشگاه‌های جهان
۶۷	نتیجه‌گیری
۷۰	جمع‌بندی پیشنهادها
۷۳	منابع

دیباچه

مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی به مثابه نهادی علمی و تخصصی با رسالت دانش پژوهی در قلمرو آموزش عالی و رویکردی میان‌رشته‌ای، محور اصلی فعالیت‌های خود را به کارویژه‌های: ۱- تولید و ارتقاء دانش نظری و کاربردی در حوزه آموزش عالی ۲- انتقال و اشاعه دانش آموزش عالی به ذی‌نفعان در سطح خرد و کلان ۳- سیاست‌پژوهی و تحلیل سیاست‌های آموزش عالی قرار داده است. در این راستا به منظور پاسخگویی سریع، مؤسسه تدوین گزارش‌های تخصصی که رویکردی چابک و کوتاه‌مدت است را در کنار انجام طرح‌های پژوهشی به کار گرفته است.

مجموعه حاضر شامل گزارش‌های تخصصی آموزش عالی است و از نیمه دوم سال ۱۳۹۷ برای انتشار و بهره‌برداری ذی‌نفعان آماده شده است. گستره موضوعی این گزارش‌ها طیف وسیعی از چالش‌ها و دغدغه‌های کنونی در حوزه آموزش عالی نظیر: مدیریت و حکمرانی، توسعه کمی و کیفی، برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، منابع مالی و انسانی، بین‌المللی شدن و جذب دانشجویان خارجی، ارزیابی و تضمین کیفیت، مطالعات تطبیقی، تحلیل سیاست‌های آموزش عالی و ... می‌باشد. این گزارش‌ها سعی دارند ضمن تحلیل وضعیت موجود، راهکارهایی مفید و مؤثر در جهت بهبود نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشورمان در سطح خرد و کلان ارائه نمایند.

در پایان ضمن دعوت از همه متخصصان و صاحب‌نظران آموزش عالی به مشارکت در این برنامه پژوهشی، خواهشمند است نظرات و نقدهای ارزشمندتان را در خصوص هر یک از گزارش‌ها به این مؤسسه ارسال نمایند.

رضا منیعی

معاون پژوهشی مؤسسه

چکیده

هر سازمانی (از جمله دانشگاه) نیازمند منابع مالی و سرمایه برای اداره خود است و ادامه کار آن سازمان بدون تخصیص پول به امور مختلف، ممکن نیست. در عین حال، هر شرکت و یا سازمانی که دارای دیدی بلندمدت است راه‌های گوناگونی را برای کسب درآمد و در نتیجه حفظ سازمان دنبال می‌کند. تأمین بودجه برای اطمینان از پایداری پروژه‌های خاص و یا پابرجا ماندن کلیت یک سازمان، اهمیت حیاتی دارد.

مهمترین هدف دانشگاه‌ها ارائه خدمات علمی، آموزشی و پژوهشی به جامعه است. همچنین وظیفه افزودن بر سرمایه‌های انسانی هر جامعه‌ای را دانشگاه‌ها به عهده دارند. بدیهی است چنانچه دانشگاه‌ها از اعتبارات مالی کافی برای تحقق اهداف خود برخوردار نباشند، در انجام وظایف خود با مشکل مواجه می‌شوند و نمی‌توانند به طور صحیح در جهت چرخه توسعه اقتصادی کشور عمل نمایند. به ویژه در شرایطی که تقریباً همه کشورهای دنیا با بحران مالی مواجهند و در آنها تضعیف رویکرد دولت رفاه را شاهد هستیم. در نتیجه، برای بسیاری از دانشگاه‌ها شناسایی منابع جدید مالی، یکی از اصلی‌ترین چالش‌هاست.

در این گزارش، ضمن تأکید بر لزوم تفکیک مفهومی بین اهدای مالی (Funding) و تدارک مالی (Financing)، امکان کاربرد «تأمین مالی اجتماعی» در بخش آموزش عالی و در دانشگاه‌ها بررسی شد. تفکیک بین اهدای مالی و تدارک مالی به سیاستگذاران آموزش عالی کمک می‌کند تا مسیرهای نظری و عملی تأمین مالی آموزش عالی را با دقت و شفافیت بیشتری ترسیم کنند و با حفظ هویت و شأنیت علم و رعایت منافع بلندمدت دانشگاه، به تدوین استراتژی‌های مالی این بخش بپردازند.

تأمین مالی اجتماعی نیز در واقع نوعی بودجه‌یابی مردمی است که در سطحی وسیع با استفاده از ابزارهای جدید فناوری اطلاعات و ارتباطات نسبت به جمع‌آوری وجوه و کمک‌های مالی از مخاطبین گسترده، اقدام می‌کند. هدف این

روش، کشف فرصت‌های جدید در جهت عمومی شدن مشارکت‌های مردمی برای تقویت دانشگاه و تأمین مالی پروژه‌های دانشگاهی است.

واژگان کلیدی: تأمین مالی، تمهید مالی، اهدای مالی، تدارک مالی، تأمین مالی اجتماعی، دانشگاه، آموزش عالی

مقدمه

طی سالیان اخیر، آموزش عالی به عنوان یک نقطه کانونی که می تواند پیشرفت جوامع را در سایر زمینه ها نیز تضمین کند توجه بسیاری را به خود جلب نموده، چرا که آثار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آموزش عالی غیر قابل انکار است (Woodhall, 2004). آموزش عالی به توسعه کشورهای از طریق رشد بهره وری و افزایش درآمد افراد، تربیت مدیران و رهبران کاردان، افزایش حق انتخاب افراد در زندگی و افزایش نیروی کار ماهر کمک می کند (Tilak, 2000). آموزش عالی نقش مهمی از طریق دانش آموختگان خود بازی می کند. کسانی که رهبران آموزشی، پژوهشگران، آموزگاران و مدرسان، مشاوران و مدیران آینده خواهند شد؛ کسانی که باید مولد و به کار برنده دانش نو و نوآوری ها باشند. آنها که باید مسائل توسعه کشورها را تحلیل کنند و هم به بخش دولتی و هم به بخش خصوصی خدمات تخصصی ارائه دهند (Sanyal, 2001). در کنار اینها اما آموزش عالی کارکردها، اهداف و پیامدهای دیگری نیز دارد که در میان آنها می توان از مواردی همچون شکل دهی اصول صبر و شکیبایی، مردم سالاری، تصمیمات علمی، دستیابی به اهداف شخصی، سلامت بهتر، کاهش میزان جرائم و همکاری بیشتر اجتماعی نام برد (ESIB, 2005). با این حال، انجام چنین وظایفی بدون وجود منابع مالی مکیفی، شدنی نیست و دانشگاهها مجبورند استراتژی تنوع منابع مالی را برای توسعه پایدار و یا بقاء و رشد خود در پیش گیرند.

به ویژه در شرایطی که تقریباً همه کشورها با بحران مالی مواجهند و در آنها تغییر رویکرد نسبت به رفاه اجتماعی و دولت رفاه، در حال قدرت گرفتن است. برای بسیاری از دانشگاهها و پژوهشگران، شناسایی منابع بودجه و تفکر در مورد مدل بودجه سازمانی آنها می تواند یکی از چالش برانگیزترین وظایف باشد (Ibrisevic, 2018). البته، به هنگام افزایش تنگناهای مالی ممکن است تلاش ها و اقدامات نسنجیده و بدون برنامه و همراه با هرج و مرج برای جذب منابع مالی انجام شود (Foster et al., 2009).

چرا تأمین مالی دانشگاه‌ها یک مسئله است؟

مهم‌ترین هدف دانشگاه‌ها ارائه خدمات علمی، آموزشی و پژوهشی به جامعه است. همچنین وظیفه افزودن بر سرمایه‌های انسانی هر جامعه‌ای را دانشگاه‌ها به عهده دارند. بدیهی است چنانچه دانشگاه‌ها از اعتبارات مالی کافی برای تحقق اهداف خود برخوردار نباشند، در انجام وظایف خود با مشکل مواجه می‌شوند و نمی‌توانند به طور صحیح در جهت چرخه توسعه اقتصادی کشور عمل نمایند. بنابراین تأمین اعتبارات مالی مکفی یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دانشگاه‌ها است.

در کشورهای در حال توسعه، دانشگاه‌ها تنها موسساتی هستند که در نیروی کار جامعه، ظرفیت سرمایه دانش ایجاد می‌کنند، تنها موسساتی هستند که می‌توانند اقتصاد دانش پایه را حمایت کنند و تنها موسساتی هستند که در زمینه زایش دانش نو و انتقال تکنولوژی، می‌توانند فعالیت کنند. بنابراین حمایت مالی از دانشگاه‌ها جزو وظایف ذاتی دولت است. اما تخصیص بودجه دولتی همواره کمتر از نیاز واقعی و بدون توجه به رشد مورد انتظار متغیرهایی نظیر تعداد اعضای هیات علمی، دانشجویان، کارکنان اداری و فضاهای فیزیکی و تجهیزات آزمایشگاهی صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، گرچه بودجه اسمی دانشگاه‌ها افزایش می‌یابد، اما بودجه واقعی آنها کم می‌شود. کاهش واقعی بودجه؛ خود را در کاهش کیفیت انجام وظایف دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی نشان خواهد داد و چون آموزش عالی یک حوزه فرابخشی است، بنابراین تبعات کاهش کیفیت آن را سایر بخش‌ها خواهند دید. از این رو، دانشگاه‌ها اگر تنها منتظر افزایش بودجه سنواتی دولتی باشند، همه ساله در وضعیت بدتری قرار خواهند گرفت (روشن، ۱۳۹۱).

هر شرکت و یا سازمانی نیازمند منابع مالی و سرمایه برای اداره خود است و ادامه کار آن شرکت و یا سازمان بدون تزریق پول به امور مختلف، ممکن نیست. در عین حال، هر شرکت و یا سازمانی که دارای دیدی بلندمدت است راه‌های گوناگونی را برای جذب پول و در نتیجه حفظ سازمان دنبال می‌کند.

به طور کلی، بودجه مناسب و کافی می‌تواند شاخص و ابزار برتری یک مؤسسه آموزش عالی بر دیگر مؤسسات باشد. دانشگاه‌هایی که بتوانند بیشترین حقوق را به اعضای هیأت علمی خود پرداخت و بهترین تجهیزات دانشگاهی را خریداری کنند

قاعدتاً بهتر می‌توانند مدرسان و دانشجویان با استعدادتری را جذب کنند. البته این موضوع در نظام‌های آموزشی عالی که در یک محیط رقابت آمیز فعالیت می‌کنند، بیشتر صادق است. با این وجود نمی‌توان از اهمیت و نقش وضعیت مالی یک مؤسسه آموزش عالی در بالابردن کیفیت ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی غافل ماند (Russel, 1967).

در حوزه تأمین مالی آموزش عالی و در مورد دانشگاه‌ها نیز برخی از روندهای اقتصادی قابل مشاهده است. مثلاً موسسات آموزش عالی تحت فشارند تا از وابستگی خود به منابع مالی دولتی بکاهند و در اشکال تأمین مالی خود تنوع بیشتری به وجود آورند. همچنین، تخصیص منابع مالی به موسسات آموزش عالی هدفمندتر شده است به طوری که تأمین مالی مبتنی بر عملکرد و تأمین مالی بر اساس تقویت رقابت بین موسسات، افزایش داشته است. مثال اینکه طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ میلادی سهم کمک مستقیم مالی به دانشجویان (در قالب وام تحصیلی و بورس تحصیلی) از کل کمک‌های مالی دولتی، به موسسات آموزش عالی افزایش قابل توجهی داشته است (Hénard and Mitterle, 2010, p.18). یعنی به جای اینکه بودجه عمومی در قالب یک مبلغ کلی مستقیماً به دانشگاه‌ها پرداخت شود، به دانشجویان داده می‌شود. این روش، را می‌توان نوعی تخصیص بودجه هدفمند و مبتنی بر عملکرد قلمداد نمود.

در ایران، با اختصاص بودجه ای حدود ۸ هزار میلیارد تومان (در سال ۱۳۹۷) برای دانشگاه‌های وزارت عتف، همراه با مسائلی مانند تحریم و مشکلات متعدد در ارتباط‌های بین‌المللی، دانشگاه‌ها در وضعیت بسیار نامساعدی قرار دارند. طی سالیان گذشته به دلیل تورم و افزایش قیمت کالاهای مختلف و اینکه نرخ رشد تورم، بسیار بیشتر از نرخ رشد بودجه مؤسسات آموزش عالی بوده، دانشگاه‌ها با مشکلات مختلفی مانند تأمین تغذیه دانشجویان، تأمین مواد اولیه آزمایشگاهی و تعمیر و تجهیز خوابگاه‌ها و اجرای فرصت مطالعاتی اساتید مواجه بودند. به علاوه، عدم افزایش بودجه متناسب با نیازهای دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی گریبان پژوهش

را می‌گیرد چرا که دانشگاه‌ها مجبور به کاهش هزینه‌های پژوهشی (از جمله کاهش پرداخت گرنت پژوهشی) به خاطر تأمین هزینه‌های جاری خود هستند. هر چند، تبصره‌هایی در قانون بودجه وجود دارد که براساس آن دستگاه‌های اجرایی، پروژه‌های پژوهشی و خدمات علمی فناوری را به سمت دانشگاه‌ها هدایت کنند، اما تاکنون اجرای این نوع تبصره‌ها چشمگیر نبوده و به خاطر کاهش منابع درآمدی دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها هنوز به طور جدی محقق نشده است.

با اینکه دانشگاه‌های ایران نسبت به دانشگاه‌های کشورهای دیگر، ده‌ها برابر بودجه کمتری دریافت می‌کنند با این وجود دانشگاه‌ها تلاش می‌کنند و می‌جنگند تا در تراز بین‌المللی بدرخشند و حتی وضعیت خود را ارتقا دهند. به عنوان نمونه ای از تفاوت بودجه دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌های خارج، رئیس دانشگاه شهید بهشتی در همین زمینه گفته بود با یک رویکرد تطبیقی و مقایسه‌ای، برای دانشگاه ام‌آی‌تی ۱.۳ میلیارد دلار، دانشگاه کمبریج ۱.۸ میلیارد دلار، دانشگاه سوربن ۱ میلیارد و چهارصد میلیون دلار و دو دانشگاه ترکیه، به ترتیب ۱۶۰ و ۱۰۰ میلیون دلار، بودجه عمومی در نظر گرفته‌اند. اما آنچه در ایران برای دانشگاهی سطح یک مانند دانشگاه شهید بهشتی در نظر گرفته شده، حدود ۳۰۰ میلیارد تومان است که ۱۳۰ تا ۱۴۰ میلیارد تومان آن را دانشگاه باید درآمد اختصاصی داشته باشد و بقیه هم بودجه‌ای است که دولت در اختیار قرار می‌دهد آن‌هم در شرایطی که پس از تصویب، در تخصیص و دریافت به موقع این بودجه واقعاً با مشکل مواجهیم (ساختمانیان، ۱۳۹۷).

یکی از دغدغه‌های مراکز آموزش عالی دولتی کشور اختصاص نیافتن کامل بودجه و اعتبارات مصوب است. مسئله‌ای که می‌تواند توسعه علمی کشور را با مشکلات متعددی روبرو کند. مثلاً به گفته معاون اداری، مالی و مدیریت منابع وزارت علوم در بودجه سال ۱۳۹۸، میزان اعتبار تخصیص داده شده در ۶ ماهه اول سال به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی حدود ۳۵ درصد بود که زمینه جدیدی از مشکلات برای دانشگاه‌ها در تعمیر و تجهیز خوابگاه‌ها، تغذیه و حتی درآمدهای اختصاصی ایجاد می‌کند، چرا که بیشتر طرح‌های پژوهشی دانشگاه‌ها با دستگاه‌های اجرایی است که در صورت پرداخت نشدن بودجه دستگاه‌ها از سوی

خزانه و دولت، آنها نمی‌توانند بابت طرح‌های پژوهشی، پرداختی به دانشگاه‌ها داشته باشند. بنابر این، بخش زیادی از درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها هم در این شرایط محقق نمی‌شود تا بخواهند از محل درآمد اختصاصی برنامه‌های خود را اجرایی کنند (نظرپور، ۱۳۹۸). البته راه‌حل نهایی معاون وزیر در شرایط بحرانی جاری، تمرکز بیشتر بر کاهش هزینه هاست تا تمرکز بر راهکارهای افزایش درآمد اختصاصی.

به‌طور کلی، پول و کمبود منابع مالی همواره دغدغه مدیران دانشگاهی بوده است. پرسش‌هایی از این قبیل که به چه مقدار پول نیاز داریم؟ از کجا می‌توانیم این مبالغ را تهیه کنیم؟ و نیز اینکه چه محدودیت‌هایی برای جذب منابع وجود دارد؟ پرسش‌هایی است که همواره وجود داشته است. پاسخ به این پرسش‌ها نسبت به سازمان‌های دیگر، برای دانشگاه‌ها سخت‌تر است چون آنها نمی‌توانند مثل یک بنگاه خالص اقتصادی فقط به سود فکر کنند، بلکه با محظورات و محذورات متعدد اخلاقی و اجتماعی روبرو هستند (Foster et al., 2009).

وضعیت ایران

در ایران، سهم عمده درآمد اختصاصی دانشگاه‌های دولتی از طریق شهریه و ارائه خدمات آموزشی به دست می‌آید به طوری که حدود ۹۰ درصد بودجه این دانشگاه‌ها از محل بودجه عمومی و شهریه است. در عین حال، حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد بودجه دانشگاه‌ها، از محل درآمدهای اختصاصی تأمین می‌شود. البته، به گفته دکتر محمدتقی نظرپور، معاون اداری، مالی و مدیریت منابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، این‌گونه نیست که همه درآمدهای اختصاصی کسب شده، به خود دانشگاه برگردد. در حال حاضر، خزانه، سه درصد از درآمدهای اختصاصی دانشگاه را کسر و بقیه را به دانشگاه‌ها پرداخت می‌کند که این موضوع جای نگرانی دارد (مظاهری، ۱۳۹۸).

بر اساس اعلام وزارت علوم در سال ۱۳۹۷ درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌های سطح ۱ کشور حدود ۳۲ درصد درآمدهای عمومی آنهاست که همین موضوع در

دانشگاه‌های سطح ۲ حدود ۱۳ درصد و در دانشگاه‌های سطح ۳ و ۴ حدود ۱۰ درصد بوده است. همچنین سهم پژوهش در درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌های سطح ۱، ۳۳ درصد، در دانشگاه‌های سطح ۲، ۱۳ درصد و در دانشگاه‌های سطح ۳ و ۴ فقط هفت درصد بوده که این عدد در مورد نسبت آموزش (شهریه) به کل درآمدهای اختصاصی در دانشگاه‌های سطح ۱ به حدود ۴۲ درصد، در دانشگاه‌های سطح ۲ به حدود ۵۲ درصد و در دانشگاه‌های سطح ۳ و ۴ به حدود ۴۵ درصد می‌رسد. بررسی درآمدهای دانشگاه‌ها از سایر فعالیت‌ها مانند خدمات رفاهی و... حدود ۲۵ درصد درآمد اختصاصی دانشگاه‌های سطح ۱ و ۳۵ درصد دانشگاه‌های سطح ۲ را نشان می‌دهد. این عدد در دانشگاه‌های سطح ۳ و ۴ به حدود نیمی از کل درآمدهای اختصاصی می‌رسد (مظاهری، ۱۳۹۸). البته، جذب دانشجوی خارجی را هم به عنوان یک منبع درآمدی بالقوه نباید فراموش کرد. هر چند، در حال حاضر، وضعیت دانشگاه‌های ایران، از این لحاظ مناسب نیست. ولی در هر صورت، در پی گسترش بین‌المللی شدن آموزش عالی، جذب دانشجویان خارجی به یکی از منابع مهم درآمدی دانشگاه‌های جهان تبدیل شده است. در سال ۱۳۹۷ حدود ۳۷ هزار نفر دانشجوی خارجی در ایران (عمدتاً از کشورهایی مثل افغانستان و عراق) در حال تحصیل بودند. طبق برنامه‌ها، قرار است تا افق ۱۴۰۴ تعداد دانشجویان خارجی به ۷۵ هزار نفر برسد. اگر کشور بتواند سالانه دوهزار نفر جذب دانشجوی خارجی داشته باشد، سالانه حدود ۱۵ میلیون دلار ارز چه از طریق مخارج زندگی و چه به صورت دریافت شهریه وارد کشور می‌شود.

تجربه برخی دانشگاه‌های کشور در زمینه کسب درآمد اختصاصی

براساس ماده (۱۴) قانون محاسبات عمومی، درآمد اختصاصی برای مصرف خاص معین شده و در بودجه کل کشور به این عنوان منظور می‌شود. به‌طور کلی دستگاه‌های استفاده‌کننده از درآمد اختصاصی در سه دسته جای می‌گیرند: دسته اول دستگاه‌های وصول‌کننده درآمد دولت هستند؛ دسته دوم خدماتی اضافه‌بر وظایف حاکمیتی انجام می‌دهند و دسته سوم استقلال مالی آنها چنان اهمیتی دارد که قانونگذار برای ایشان درآمد اختصاصی ایجاد کرده است (حسینی و فاتحی زاده،

(۱۳۹۴).

تجربه دانشگاه خواجه نصیر طوسی در مورد درآمد زایی دانشگاه از زبان رئیس این دانشگاه، دکتر خاکی صدیق: بیشترین درآمد دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی آموزشی است؛ از دانشجویان نوبت دومی که هم‌اکنون مشغول به تحصیل هستند یا دانشجویان تبدیل خارج به داخل یا آنهایی که به صورت میهمان تحصیل می‌کنند. در ارتباط با درآمدهای پژوهشی، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی بیش از 40 میلیارد تومان قرارداد، دارد ولی بخش اندکی از آن به دانشگاه می‌رسد؛ البته جزء درآمدهای دانشگاه محسوب می‌شود، به شکلی که در آزمایشگاه‌ها هزینه خواهد شد یا خود اعضای هیات‌علمی و همکاران‌شان که در پروژه‌ها هستند، استفاده می‌کنند و به نوعی کار دانشگاه را پیش می‌برند، اما درآمد مستقیمی برای دانشگاه نیست. به عبارت دیگر، ما دوگونه درآمد داریم؛ درآمدی که مستقیماً می‌توانیم هزینه کنیم و گونه دیگر مانند همین قراردادهای پژوهشی است که غیرمستقیم اطلاق می‌شود. درآمدهای مستقیم دانشگاه بیشتر در درآمدهای آموزشی خلاصه می‌شوند. در بخش نوآوری و مراکز رشد و کارآفرینی‌مان هم هنوز به درآمد آنچنانی نرسیده ایم، هرچند روی همین نکته هم بحث وجود دارد که آیا ما این مراکز را باید با نگاهی درآمدی ببینیم یا اکوسیستمی برای خلاقیت.

تجربه دانشگاه علم و صنعت در مورد درآمد زایی و افزایش درآمد اختصاصی دانشگاه از زبان دکتر علیرضا ذاکری: درآمدزایی دانشگاه‌ها طبیعتاً از محصول دانشگاه به دست می‌آید؛ محصول دانشگاه یا تربیت دانشجو است یا ارائه خدمات پژوهشی به صنایع و سازمان‌های اجرایی کشور.

به عقیده این رئیس دانشگاه ابتدا باید مقررات‌زدایی در سطح آموزش عالی کشور صورت پذیرد و اختیارات بیشتری به دانشگاه‌ها داده شود که بتوانند در قالب دوره‌های خاص آموزشی یا آموزش‌های آزاد عمل کنند. در شرایط فعلی محدودیت‌هایی برای دانشگاه‌ها وجود دارد. ما طبیعتاً یک رسالت ملی برای تربیت دانشجویان داریم و مطابق قوانین و ضوابطی که داریم از آموزش رایگان بهره‌مند

هستند. هزینه‌های این آموزش را دولت متقبل می‌شود. برای کاستن از این هزینه نباید ظرفیت‌های پذیرش دانشجو را کم کنیم، چون همان رسالتی که اشاره داشتیم بر دوش دانشگاه‌های بزرگ هست. در عین حال این امکان وجود دارد تا ظرفیت مازاد دانشگاه‌ها در قالب پردیس‌های شهریه‌پرداز مورد استفاده قرار گیرد و از این طریق بخشی از مشکلات مالی دانشگاه‌ها حل شود. شرایط در حال حاضر برای این امر مهیا نیست و نیازمند اقدام وزارت علوم است تا اختیاراتی برای پذیرش دانشجویان شهریه‌پرداز به دانشگاه‌ها داده شود.

راهکار دوم افزایش درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها، ارائه خدمات پژوهشی به صنایع است که اخیراً مورد تأکید وزارت صنعت هم قرار گرفت. دانشگاه‌ها با تعریف پروژه‌هایی که برای صنایع مختلف در نظر دارند، بخشی از هزینه‌های خود را تأمین می‌کنند. ما در سال ۱۳۹۷ حدود ۲۶.۵ میلیارد تومان ارائه خدمات پژوهشی به صنایع داشتیم که البته همه این رقم سود محسوب نمی‌شود و برای رسیدن به آن شاید بالغ بر ۲۴ میلیارد تومان هزینه شده است. در شرایط فعلی و با توجه به شرایط و مشکلات اقتصادی کشور، دانشگاهیان به موضوعات پژوهشی به‌عنوان یک کسب‌وکار یا تجارت نگاه نمی‌کنند و سعی در شناسایی چالش‌های صنعتی و رفع آن دارند تا موانع تولید برطرف شود و بهروری تولید افزایش یابد که در مجموع درآمد ملی برای کشور محسوب خواهد شد.

دانشگاه علم و صنعت ایران اولویت خود را در کسب درآمد در ورود به پروژه‌های پژوهشی و صنعتی قرار داده است، پروژه‌هایی که در قالب فناوری‌های جدید، مراکز رشد و شرکت‌های دانش‌بنیان دنبال می‌شوند. در طول سال‌های اخیر بیشتر سیاست دومی که پیش‌تر عنوان شد را هدف قرار دادیم اما برای اینکه دانشگاه‌ها بتوانند اتکای خود را نسبت به بودجه‌های دولتی قطع کنند باید مسیری برای آموزش‌های پولی باز شود.

دانشگاه ما جزء اولین دانشگاه‌هایی است که برنامه راهبردی تدوین کرده و ما الان در دوره چهارم برنامه راهبردی هستیم و حدود ۱۸ سال است که این برنامه در حال اجراست. براساس همین برنامه ۴۰ میلیارد تومان درآمد اختصاصی از محل قراردادهای صنعتی و پژوهشی در سال ۱۴۰۰ پیش‌بینی شده است که امیدواریم

شرایط ویژه اقتصادی کشور و بحث تحریم‌ها، فرصتی برای دانشگاه‌ها باشد تا بتوانند خدمات بیشتری به صنایع بدهند و از سوی دیگر، صناعی که حالا از خارج کشور ناامید شدند و نیازهای خود را باید از داخل کشور تامین کنند، دانش فنی و نوآوری‌شان را از دانشگاه مطالبه کنند. در حال حاضر سامانه‌ای توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت ایجاد شده که مقدمات کار را فراهم کرده است و امیدواریم با فعال شدن این سامانه بخشی از نیازها تامین شود.

تجربه دانشگاه امیرکبیر در مورد درآمد زایی و افزایش درآمد اختصاصی دانشگاه از زبان دکتر سید احمد معتمدی: درآمدهای ما و احتمالاً همه دانشگاه‌ها عمدتاً در سه بخش خلاصه می‌شود، یک بخش از طریق آموزش است که بیشتر به دانشجویان شهریه‌پرداز مربوط می‌شود. سعی کردیم در این قسمت افراط نداشته باشیم به طوری که دانشجویان شهریه‌پرداز دانشگاه امیرکبیر ۱۲ درصد کل دانشجویان این دانشگاه هستند. البته عمده درآمد برای دانشگاه مربوط به همین بخش آموزش است که ۵۰ درصد دریافتی ما را تشکیل می‌دهد. برای ما مهم بوده که فرصت تحصیل برای همه علاقه‌مندان فراهم شود. بخش دیگری از درآمدهای اختصاصی دانشگاه به قراردادهای صنعتی اختصاص دارد که حدود ۴۰ درصد درآمد را تشکیل می‌دهد اما بیشتر خرج خودشان می‌شود. با این وجود برای ما از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که اکثر فعالیت‌های پژوهشی دانشگاه با همین بودجه انجام می‌شود و اگر وجود نداشته باشد فعالیت‌های ما مختل خواهد شد. در واقع درآمد چندانی برای دانشگاه ندارد ولی ما استقبال می‌کنیم و حتی حاضریم هزینه کنیم و یارانه‌ای هم بپردازیم تا بتوانیم مشکلات کشور را برطرف کنیم. بخش سوم درآمدهای دانشگاه هم به خدمات برمی‌گردد. خدمات رایانه‌ای، آزمایشگاهی و کتابخانه حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد درآمد اختصاصی ما را تشکیل می‌دهد. اولویت نخست دانشگاه امیرکبیر همان قراردادهای صنعتی است و استفاده از ظرفیت صنعت است که در برنامه راهبری دانشگاه افق آن را مشخص کردیم؛ البته مسائل صنعتی و اقتصادی و تحریم‌ها روی این موضوع تاثیرگذار است. سال ۹۷ مبلغ

قراردادهای پژوهشی دانشگاه امیرکبیر بیش از ۵۰ میلیارد تومان بود، اما تاکنون حدود ۲۰ میلیارد دریافتی داشتیم که اگر وضعیت صنعت بهتر بود می‌توانست تا ۳۰ میلیارد هم افزایش یابد.

تجربه دانشگاه اصفهان در مورد درآمد زایی و افزایش درآمد اختصاصی دانشگاه از زبان دکتر هوشنگ طالبی: دو رسالت اصلی دانشگاه آموزش و پژوهش است، بنابراین اگر قرار است به‌عنوان یک پتانسیل و ظرفیت به دانشگاه نگاه کنیم، باید ظرفیت‌سازی‌مان برای ایجاد منابع جدید باشد. ما در دانشگاه اصفهان روی بحث آموزش خیلی اعتقادی به سرمایه‌گذاری برای ایجاد منابع جدید نداریم، از طرفی چندان جواب نمی‌دهد و پول زیادی بابت آموزش به دانشگاه‌ها وارد نمی‌شود و خودمان نیز چندان تمایلی به کار در این زمینه با این نگاه نداریم. به همین دلیل تلاش‌ها بیشتر به سمت بخش دوم معطوف می‌شود. دانشگاهی مثل دانشگاه اصفهان ۶۵۰ عضو هیات‌علمی، دوهزار و ۵۰۰ دانشجوی دکتری و ۶ هزار دانشجوی کارشناسی‌ارشد دارد؛ یعنی حدود ۹ هزار دانشجوی تحصیلات تکمیلی در دانشگاه ما مشغول به تحصیل هستند که جزء منبع انسانی پژوهش‌های ما به شمار می‌روند که فعالیت‌های تحقیقاتی و نوآوری دارند. به بیان دیگر این منبع انسانی بسیار ارزشمند است که می‌تواند در خدمت جامعه و کشور قرار گیرد و این اجازه را به ما می‌دهد تا به وسیله آنها سرمایه‌هایی را جذب کنیم که همان منابع موردنیاز ما را تامین کند. بخشی از این منابع صرف همان فعالیت‌های پژوهشی دانشجویان و اساتید خواهد شد و مبلغی هم می‌تواند در سایر بخش‌ها کمک‌حال دانشگاه باشد.

مساله این است که چگونه این اتصال برقرار شود و این منبع انسانی را به چه شکلی، به نیازهای جامعه متصل کنیم. به عقیده من کار سختی نیست و نیاز نیست از نو فکر کنیم، کشورهای مختلفی که این مسیر را پیمودند می‌توانند الگویی برای ما باشند. در نظر بگیرید ۱۵ درصد شرکت سامسونگ صرف طرح و توسعه این شرکت می‌شود، در شرکت توپوتا این عدد ۱۰ درصد و در فورد حدود هشت درصد است. طرح و توسعه یعنی رفع نیازهای شرکت را به کسانی که بتوانند برای آن راه‌حل ارائه دهند، بسپاریم. این افراد پژوهشگران هستند، تعدادی در خود شرکت ولی عمده کسانی که مورد استفاده قرار می‌گیرند در دانشگاه‌ها مشغول هستند.

بدین معنا که قسمت اعظمی از این بودجه‌ها در دانشگاه‌ها هزینه خواهد شد. بحث ما این است، حتی اگر توجه چندانی به بخش خصوصی نداشته باشیم و فقط شرکت‌های دولتی را در نظر بگیریم و پنج درصد بودجه این شرکت‌ها را که مبلغ زیادی است صرف تحقیق و توسعه همان شرکت‌ها کنیم، منبع عظیمی در اختیار دانشگاه‌ها قرار خواهد گرفت. اگر ما بتوانیم مدیریت کنیم و این دو منبع را به هم متصل کنیم، اصلاً دانشگاه‌ها نیازی به کارهای کوچک یا حتی کسب درآمد از طریق آموزش نخواهند داشت. این کار با توجه به شرایط تحریمی و نیاز کشور یکی از بهترین کارهایی است که پیش‌روی ما قرار دارد. ما در سال ۹۶، چهارمیلیارد از درآمد اختصاصی‌مان را از طریق فعالیت‌های پژوهشی کسب کردیم. در سال ۹۷ این رقم به هفت میلیارد تومان رسید. اگر بتوانیم این روند صعودی را حفظ کنیم و در سال ۹۸ بیش از ۱۰ میلیارد از ظرفیت پژوهشی دانشگاه را در راه کسب منابع درآمدی استفاده کنیم، کار بزرگی انجام داده‌ایم. البته ما راه‌های مختلفی را پیگیری می‌کنیم، در پارک‌های علم و فناوری و استارت‌آپ‌های دانشگاه امکانات جدیدی ایجاد خواهیم کرد. به علاوه صندوق‌های پژوهشی سرمایه‌گذار می‌توانند در این مسیر به ما کمک کنند.

تجربه دانشگاه تهران در مورد درآمد زایی و افزایش درآمد اختصاصی دانشگاه از زبان دکتر محمود نیلی‌احمدآبادی: راه‌های کسب درآمد دانشگاه‌ها متنوع است. حدود ۳۵ درصد بودجه دانشگاه تهران در سال ۹۷ از محل درآمدهای اختصاصی است. در سال ۹۸ این عدد به دلیل تورمی که ایجاد شده، کاهش پیدا کرده است. نرخ خدمات ما در دانشگاه افزایش پیدا نکرد، در حالی که هزینه‌ها به واسطه تورم بیشتر شده و در سال جاری به حدود ۲۷ درصد رسیده است. یکی از راه‌های درآمدی ما مانند همه دانشگاه‌های دیگر دنیا شهریه است، شهریه دانشجویان داخلی و خارجی. البته ما در مقطع کارشناسی اصلاً شهریه نمی‌گیریم و به همین خاطر تعداد بیشتری از دانشجویان تحصیلات تکمیلی شهریه‌ای هستند. قراردادهای پژوهشی و خدماتی که به جامعه می‌دهیم در حالت‌های مختلف مانند مشاوره‌ها از

انواع دیگر روش‌های درآمدی دانشگاه تهران است. حجم قراردادهای دانشگاه در سال ۹۷ بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان بوده اما میزان درآمد ما در سال ۹۷ حدود ۴۰ تا ۴۵ میلیارد تومان بوده است. برای دانشگاه تهران همه راه‌های کسب درآمد مهم است. ما باید دانشجویان بین‌المللی داشته باشیم و در حوزه داخلی هم ظرفیتی وجود دارد که خدمات بهتری ارائه دهد. وقتی شما در حوزه درآمدزایی وارد می‌شوید صرف درآمد فقط مورد اهمیت نیست، فرد وقتی هزینه می‌پردازد، انتظار کیفیت هم دارد. اینکه شرکت‌هایی درست کنیم و لایسنس آن را به فروش رسانیم، اینکه پارک علم و فناوری ما توسعه پیدا کند، قراردادهای پژوهشی دانشگاه افزایش یابد و گرنت بین‌المللی بگیریم از جمله سایر موارد مورد اهمیت برای ماست. در برنامه پنج ساله دانشگاه تهران تمام شاخص‌های درآمدزایی فهرست شده است.

تجربه دانشگاه صنعتی شریف در مورد درآمد زایی و افزایش درآمد اختصاصی دانشگاه از زبان دکتر محمود فتوحی: ما یک برنامه راهبردی برای دانشگاه تعریف کردیم که در آن سه اصل اساسی برای دانشگاه تعریف شده است. اول اینکه سرآمد در آموزش، دوم سرآمد در پژوهش و فناوری و سوم سرآمد در اثربخشی اجتماعی باشیم و در کنار تلاش برای رسیدن به این سه اصل باید خودکفایی نسبی مالی هم داشته باشیم، چراکه به این نتیجه رسیدیم که مدیریت و اداره دانشگاه بر مبنای بودجه‌های دولت تقریباً ممکن نیست و هر سال این بودجه‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شود، در حالی که ما باید سطح فعلی دانشگاه را نه تنها حفظ کنیم، بلکه بالا ببریم.

بنابر این، ما به بودجه غیردولتی نیاز داریم و طبیعی است که دنبال راه‌حلهایی که بخواهد با اسم و برند دانشگاه به فروش برسد و از این راه کسب درآمدی داشته باشیم، نیستیم و فکر می‌کنیم مهم‌ترین عاملی که می‌تواند برای دانشگاه درآمدزایی کند، استفاده از فناوری و قراردادهای ارتباط با صنعت است که هم حل مساله کشور را به دنبال داشته و هم درآمدی برای دانشگاه خواهد داشت. این مسیر، اصلی‌ترین راهی است که برای درآمدزایی در نظر داریم. در این قراردادها دانشگاه یک بالاسری می‌گیرد که عدد بالایی نیست اما با گردش مالی، مسائل مالی و درآمدی برای استاد و دانشجو می‌تواند به دانشگاه کمک کند.

منبع دیگری که فکر می‌کنیم می‌تواند در درآمدزایی موثر باشد، استفاده از پتانسیل

خیرین و فارغ‌التحصیلان است. این کار را شروع کردیم و دو سالی است در ایام ماه مبارک رمضان جلساتی را با خیرین داشتیم که درآمد قابل توجهی برای دانشگاه داشته است. اخیراً ساختار بنیاد شریف را تغییر دادیم و هیات‌مدیره جدیدی را برای این بنیاد قرار دادیم. در مجموع فکر می‌کنیم این موارد یعنی استفاده از خیرین و بهره‌مندی از پتانسیل فارغ‌التحصیلان و قراردادهای ارتباط با صنعت بتواند در مسیر کسب درآمد به ما کمک کند و در کنار آن بحث آموزش به‌ویژه آموزش‌های تخصصی هم اهمیت دارد. اگر پردیس هم برای سرمایه‌گذاری مدنظر قرار گیرد، باید توجه داشته باشیم کیفیت کار دانشگاه نباید فدای مباحث مالی شود.

البته به گفته معاون اداری، مالی و مدیریت منابع وزارت علوم، در نشست مجازی معاونان اداری و مالی دانشگاه‌های بزرگ که در اردیبهشت ۱۳۹۹ به میزبانی دانشگاه تهران برگزار شد، در خصوص راهبردهای اجرایی برای تنوع‌بخشی منابع آموزش عالی معتقد است مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در اکثر دانشگاه‌های برتر جهان، کماکان بخش عمده‌ای از هزینه‌های این دانشگاه‌ها به طرق مختلف، از بودجه‌های دولتی تأمین می‌گردد؛ به طوری که تأمین اعتبار این دانشگاه‌ها از محل درآمد عمومی دولت‌ها تا ۷۳ درصد کل منابع دانشگاه‌هاست. در عین حال، در ایران در سال ۱۳۹۸، ترکیب و درصد منابع درآمدی دانشگاه‌های بزرگ کشور در حوزه کمک‌های دولتی و درآمدهای عمومی ۷۴.۱۵ درصد و بقیه درآمد اختصاصی است. در حوزه درآمد اختصاصی نیز بخش پژوهش ۸.۴۲ درصد، بخش شهریه (آموزش) ۱۱.۰۵ درصد و سایر درآمدها نیز ۶.۳۸ را شامل می‌شود. بنابراین نباید انتظار داشت راهکارهای پیشنهادی با روندی که باید در بلندمدت طی شود به سمتی جهت‌گیری شود که دانشگاه‌ها را به طور کلی از بودجه‌های دولتی مستغنی سازد. چراکه مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها در توسعه کشور، مسئولیتی همه‌جانبه است و تمامی ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد، و نباید توجه به درآمدزایی در آموزش عالی به‌گونه‌ای باشد که از توجه به سایر وجوه غفلت گردد. به گفته وی، مهم‌ترین منابع درآمدی دانشگاه‌ها

عبارتند از: ردیف‌های بودجه‌ای مصوب دولت برای هر موسسه در قانون بودجه، ردیف‌های متمرکز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تبصره‌های بودجه سالیانه و استفاده از سایر دستگاه‌ها، درآمدهای اختصاصی مؤسسه و هزینه در قالب بودجه تفصیلی، کمک‌های خیرین و واقفین، مشارکت بخش خصوصی در ساخت‌وسازها و اجاره به شرط تملیک، درآمد ناشی از اجاره و واگذاری موقت اماکن و امکانات و تجهیزات و منابع بانک‌ها در قالب تسهیلات با نرخ کم سود بانکی. همچنین در سطح بعدی، از دیگر محل‌های تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها، می‌توان مواردی همچون: کمک بنیاد حامیان و فارغ‌التحصیلان مؤسسه، معافیت‌ها و حمایت‌های تسهیلاتی مانند معافیت مالیاتی، استفاده از ظرفیت‌های ایرانیان مقیم خارج، استفاده از خدمات شهرداری‌ها و سایر سازمان‌های بومی و محلی، استفاده از ظرفیت‌های بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، بنیاد برکت، استفاده از ظرفیت‌های اعضای هیات امنای مؤسسه، صنایع، معادن و کارخانجات، برقراری و تسهیل ارتباط میان بدنه اجرایی و اقتصادی با بدنه علمی و تحقیقاتی کشور را برشمرد. به علاوه و به موازات اینها استقرار و گسترش دولت الکترونیک می‌تواند راهکاری برای کاهش هزینه‌های دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی دولتی باشد (نظرپور، ۱۳۹۹).

البته از آنجا که در سطح جهان روش تأمین مالی اجتماعی یا Crowd funding یک روش نسبتاً جدید برای درآمدزایی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بوده و غالباً مبتنی بر ابزارهای جدید اینترنتی و فضای مجازی هست، و نیز اینکه این روش در واقع یک روش تأمین مالی پروژه محور محسوب می‌شود، لذا هنوز آمار مقایسه‌ای در مورد برخی دانشگاه‌ها میزان درآمدزایی این روش نسبت به سایر روش‌های سنتی منتشر نشده است، هر چند نتایج موردی تأمین مالی حاصل از Crowd funding امیدوارکننده است.

به طریق اولی، چنین آمار مقایسه‌ای در ایران وجود ندارد و چنانکه در تجارب دانشگاه‌های ایران دیدیم، دانشگاه‌ها جایگاه ویژه‌ای برای این نوع از درآمدزایی قائل نیستند یا اینکه اصلاً بر وجود یا تأثیر این روش آگاهی ندارند. اما این عدم آگاهی یا عدم آمادگی باعث نمی‌شود که Crowd funding را نادیده بگیریم، بلکه بر عکس با

گسترش تجارت الکترونیکی و رواج ارتباطات افراد در فضای مجازی و استفاده از اینترنت، روش Crowd funding به شکل روزافزونی ضرورت خود را نشان خواهد داد.

پیشینه تحقیق: یافته‌های چند مطالعه مرتبط

در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی راهکارهای تحقق استقلال مالی دانشگاه‌ها»، تأکید شده که گرچه در مقابل تصمیم‌گیری مدیران دانشگاهی برای تنوع بخشی به ممرها و مسیرهای درآمدی، هم موانع درون بخشی و هم موانع برون بخشی به وفور وجود دارد، ولی موجودیت این موانع و حتی بایش و بودگی مشکلات در قوانین اصلی و در ساختارهای کلان کشور، مدیران دانشگاهی را از یافتن راه‌های متعدد تأمین مالی معاف نمی‌کند (روشن، ۱۳۸۵). همچنین، در این تحقیق با تعدادی از رؤسای دانشگاه‌ها و صاحب‌نظران اقتصاد و مدیریت آموزش عالی مصاحبه شده که برخی از مهم‌ترین یافته‌ها و نکات ابراز شده توسط آنها در این مصاحبه‌ها به قرار زیر است:

- برای دانشگاه‌ها این امکان فراهم شود که در پروژه‌هایی به صورت بلند مدت سرمایه‌گذاری کنند و بتوانند از سود حاصل از این سرمایه‌گذاری برای هزینه‌های دانشگاهی استفاده نمایند. (سرمایه‌گذاری در بازار سهام و در شرکت‌های سرمایه‌گذاری بورسی نیز می‌تواند در این مقوله جای گیرد)
- درصدی از درآمدی که دانشگاه‌ها از راه‌هایی غیر از بودجه دولتی کسب می‌کنند به عنوان تشویق به بودجه دانشگاه در سال بعد اضافه شود.
- بخشی از اختیارات هیأت امناء به رئیس دانشگاه واگذار شود تا کارها سریع‌تر انجام گیرد.
- میزان جذب منابع درآمدی اختصاصی دانشگاه‌ها در رتبه‌بندی آنها لحاظ شود.
- سازوکاری توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی ایجاد شود تا افراد و خیرینی که به دانشگاه کمک می‌کنند، از معافیت‌های مالیاتی برخوردار شوند.
- مشکلات فرهنگی مهم‌ترین مانع اختصاص موقوفات به دانشگاه‌هاست و

- بایستی در این زمینه کار تبلیغی و اطلاع رسانی وسیعی از جانب مسئولان سیاسی و مذهبی کشور، سازمان اوقاف و رسانه‌ها صورت پذیرد.
- حداقل یک نفر از اعضای هیأت امنای دانشگاهها از میان مدیران صنایع تولیدی و صاحبان بنگاه‌های اقتصادی منطقه انتخاب شود.
 - ضروری‌ترین کار این است که دانشگاهها ارزش محصولات و اهمیت تولیدات خود را به جامعه نشان دهند، هم در بخش آموزشی و هم در بخش پژوهشی.
 - بند الف ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه^۱ باید تبیین شود. یعنی گزاره‌های مختلف از این قانون اصلی استخراج شود و به صورت راهکار و دستورالعمل و به صورت اصل، همه ما اینها را داشته باشیم تا هم‌زبان و همدل باشیم. الان کسانی که خودشان متکفل این ماده هستند، به قدرت این ماده اعتقاد ندارند.
 - منابع مالی و سازوکارهای مالی شبیه غذا و اکسیژن برای بدن است اگر به عناصر مختلف آموزش عالی غذا و اکسیژن یا همان منابع مالی نرسد، امکان حیات نخواهند یافت.
 - دانشگاهها کم و بیش دارای منابع مالی هستند، منتهی کمبود منابع به خودی خود و تنها ناشی از عوامل بیرونی و منابعی که به آموزش عالی اختصاص پیدا می‌کند، نیست. بخش زیادی از آن ناشی از ناکارآمدی تخصیص منابع در درون دانشگاه است.
 - چه ایرادی دارد که دانشگاههای ما همان کاری که جهاد دانشگاهی انجام داده را انجام دهند. مثلاً خدمتی را به متقاضیان بیرونی ارائه دهند و در عوض پولی بگیرند و خرج کارشان کنند. دوره‌های کوتاه مدت را فعال کنند. خدمات مشاوره‌ای بدهند.
 - این مسأله یعنی افزایش موقوفات و کمک‌های مردمی با خود دانشگاه حل نمی‌شود. یک کار فرهنگی وسیع‌تری می‌خواهد. برای مدرسه‌سازی نیز در مجامع دینی خیلی بحث شد که به اندازه مسجدسازی اهمیت و ارزش دارد.

۱ - خوشبختانه این قانون مترقی، در برنامه پنجم توسعه نیز تکرار شد و در نهایت، در جریان بررسی برنامه ششم توسعه، جزو قوانین دائمی توسعه کشور قرار گرفت.

در دانشگاه‌ها این تفکر که فقط دولت باید از دانشگاه حمایت کند و دیگر کسی تکلیفی ندارد، باعث این وضعیت شده است.

- متقاضیان بخش خصوصی ما حاضرند با دانشگاه قرارداد ببندند تا از کلاس‌ها و سایر فضاهای فیزیکی دانشگاه استفاده کنند. مثلاً شب‌ها یا تابستان‌ها که کلاس‌ها را دانشگاه احتیاج ندارد. در واقع آنها می‌خواهند از پرستیژ دانشگاه استفاده کنند، در صورتی که سایر مکان‌ها هم برای اجاره کردن هست ولی بخش خصوصی دانشگاه را ترجیح می‌دهد.
- خیلی از مردم حاضرند به دانشگاه‌ها کمک کنند و برای دانشگاه‌ها ساختمان بسازند و یا به نام خودشان آزمایشگاه بسازند، زمین ورزشی ایجاد کنند، کتابخانه بسازند. باید دانشگاه‌ها زمینه را برای آنها فراهم بکنند.
- من به هیچ عنوان فکر نمی‌کنم که دانشگاه‌ها وارد تجارت و بازاریابی بشوند و خرید و فروش انجام دهند و آن اصالت، منزلت و جایگاهی که علم داشته را به سطح پایین بیاورند و به اصطلاح بازاری شوند.
- دولت باید اجازه دهد آن دسته از دانشگاه‌های غیرانتفاعی که خوب عمل می‌کنند، توسعه پیدا کنند و رشته‌های بیشتری ایجاد کنند و آزادی عمل مالی بیشتری داشته باشند.
- یکی از معضلات دانشگاه‌های ما این است که مدیرانش عموماً تجربه مدیریتی ندارند و از دانش مدیریتی بهره‌مند نبوده‌اند و بسیاری از مدیران و رؤسای دانشگاه‌های ما استادانی هستند از رشته‌های گوناگون و البته در رشته خودشان افراد فرهیخته‌ای هستند، اما مدیریت یک تخصص است.
- ما از تمام توانمان باید استفاده کنیم. از تربیون نماز جمعه این مسأله یعنی کمک مردم به دانشگاه‌ها را باید پیگیری بکنیم تا در سخنان رهبری، رئیس جمهور، وزیر علوم، و سایر تربیون‌ها حمایت‌های مردمی از آموزش عالی و دانشگاه باید تشویق شود. مردم توان لایزالی دارند و خیلی‌ها حاضرند که به دانشگاه‌ها کمک بکنند.

در بررسی دیگری (روشن، ۱۳۹۱) این پیشنهادها برای افزایش درآمدهای اختصاصی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی کشور ارائه شد:

۱. سازمانهای مسوول توزیع بودجه کشور، بودجه دانشگاهی را به جای سرمایه گذاری به عنوان هزینه مصرفی در نظر می گیرند به همین خاطر به دانشگاهها کمتر از آنچه استحقاق دارند بودجه اختصاص می دهند.
۲. سازمانهای دولتی و خصوصی ملزم شوند درصدی از بودجه پژوهشی خود را از طریق دانشگاهها هزینه کنند.
۳. مراکزی در داخل دانشگاهها ایجاد شود که وظیفه آن یافتن مشتری و بازاریابی^۱ برای خدمات آموزشی، پژوهشی و مشاوره ای دانشگاهها باشد.
۴. برای دانشگاهها این امکان فراهم شود که در پروژه هایی به صورت بلندمدت سرمایه گذاری کنند و بتوانند از سود حاصل از این سرمایه گذاری برای هزینه های دانشگاهی استفاده کنند.
۵. موانع مختلف در توسعه روابط بین المللی دانشگاهها برداشته شود، تا دانشجوی خارجی بیشتری جذب شود.
۶. مشکلات فرهنگی، مهم ترین مانع اختصاص موقوفات به دانشگاهها است و باید در این زمینه کار تبلیغی و اطلاع رسانی وسیعی از جانب مسوولان سیاسی و مذهبی کشور، سازمان اوقاف و رسانه ها صورت پذیرد.
۷. مدیریت دانشگاهها ثبات بیشتری داشته باشد تا روسای دانشگاهها زمان

۱ - البته با رویکرد بازاریابی اجتماعی. چون بازاریابی دانشگاهی و بازاریابی بنگاهی اساساً و هویتاً دارای تفاوت های بنیادی هستند و همیشه باید این اصل را در مورد آموزش عالی دولتی ایران به خاطر داشته باشیم که دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور ما نباید در نقش یک بنگاه اقتصادی و یا یک شرکت تجاری ظاهر شوند و عمل کنند، بلکه بایستی ماهیت غیرانتفاعی خود را حفظ نمایند. بنگاه اقتصادی هنگامی که می خواهد تصمیمی بگیرد یا اقدامی انجام دهد از خود می پرسد این تصمیم یا این اقدام، تا چه حد برای من سود اقتصادی به دنبال دارد، اما یک مؤسسه غیرانتفاعی مثل دانشگاه به هنگام اخذ یک تصمیم یا عمل به یک اقدام، باید به این سؤال پاسخ دهد (و مسئله اش این باشد) که آن تصمیم و یا اقدام تا چه در در راستای تأمین منافع اجتماعی است. از این روی، بازاریابی اجتماعی با بازاریابی متعارف بنگاه های اقتصادی متفاوت است.

- بیشتری برای اجرای برنامه‌های خود داشته باشند.
۸. میزان جذب منابع درآمدی اختصاصی دانشگاه‌ها در رتبه‌بندی آنها لحاظ شود.
 ۹. سازوکاری توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی ایجاد شود تا افراد و خیرینی که به دانشگاه کمک می‌کنند از معافیت‌های مالیاتی برخوردار شوند.
 ۱۰. نظام‌های جدید آموزشی همچون آموزش مجازی به عنوان ممر درآمدی جدید دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد.
 ۱۱. کارگاه آموزشی مخصوص روسای دانشگاه‌ها در مورد اقتصاد آموزش عالی، مدیریت مالی دانشگاه‌ها و راهکارهای مختلف افزایش درآمد اختصاصی توسط استادان مجرب برگزار شود.
 ۱۲. سمیناری توسط وزارت علوم در مورد راهکارهای تأمین مالی دانشگاه‌ها برگزار شود.

عوامل اصلی و موانع عمده مشکلات مالی دانشگاه‌های ایران

موانع عمده تنوع بخشی به منابع مالی و عوامل اصلی مشکلات مالی دانشگاه‌های ایران را می‌توان به موارد زیر نسبت داد:

الف- فقدان عدالت تخصیصی و مشکلات تخصیص کلان بودجه و تخصیص نامکفی به بخش آموزش عالی نسبت به سایر بخش‌ها

ب- مشکلات ائتلاف منابع و تخصیص مالی درون دانشگاهی

پ- بی‌انگیزگی دانشگاه‌ها و ضعف در استفاده از پتانسیل‌های تأمین مالی دانشگاه‌ها و نبود خلاقیت در روش‌های درآمدیابی (ضعف مدیریتی و عدم اعتقاد و اراده مدیریتی نیز در این مقوله می‌گنجد)

ت- ضعف تقاضای علم، که خود شامل این موارد می‌شود: وابستگی اقتصاد و بنگاه‌های تولیدی به خارج از کشور و برون‌گرا بودن تولیدات، ضعف نظام پاسخگویی مسئولان و بی‌نیازی به راه حل‌های علمی برای حل مشکلات، ضعف رقابت بین

تولیدکنندگان، ضعف در سرمایه‌گذاری در بخش‌های مدرن و رونق اقتصادی و اشتغال‌پذیری تولید و بنابر این، اینکه افراد برای آموزش خود هزینه نمی‌کنند، نبود انگیزه برای آموزش به دلیل نبود نظام پرداخت و پاداش به ضرر دانشکاران و متخصصان و سرمایه‌های انسانی.



موانع عمده تنوع بخشی به منابع مالی دانشگاهها

لزوم درک تفاوت بین Funding و Financing

نمی‌توان به فهمی صحیح از مسئله تمهید و تأمین مالی آموزش عالی دست یافت مگر اینکه تفاوت بین Funding و Financing را به خوبی درک کرد. به ویژه که عدم تمایز بین این دو ممکن است تبعات سیاستی و سیاستگذاری داشته باشد. این دو اصطلاح اقتصادی به وفور، هم در متون به زبان فارسی و هم در متون به زبان انگلیسی، یا کلاً تعریف اشتباهی از آنها ارائه می‌گردد و یا اینکه به اشتباه به جای هم به کار برده می‌شوند. جای تعجب نیست که ترجمه موثق و معتبری هم از آنها وجود ندارد. گرچه اصطلاحات Funding و Financing به هم مرتبط هستند، اما

تفاوت های مشخصی با هم دارند. این در حالی است که کلید درک استراتژی ها، روش ها و کانال های تأمین مالی دانشگاه‌ها بدون درک تفاوت مفهومی این دو واژه نامحتمل و حتی ناممکن است. عجلاناً، نگارنده تا این لحظه و تا یافتن برابرنهادهایی بهتر، برای Funding معادل «اهدای مالی» و برای Financing معادل «تدارک مالی» را پیشنهاد می کند.

هر شرکت و یا سازمانی برای انجام وظایف و تحقق اهداف خود نیازمند منابع مالی است و بدون تزریق پول، ادامه فعالیت آن شرکت یا سازمان غیرممکن است. بسته به ماهیت، کارکرد، هدف و رسالت سازمان های مختلف، راهکارهای مختلف جذب منابع مالی وجود دارد. بدین منظور، برخی سازمان ها ممکن است برای تأمین مالی خود از بانک ها و سایر مؤسسات وام دهنده، پول قرض کنند. برخی ممکن است در جایی سرمایه گذاری کرده باشند و از سود سرمایه گذاری هایشان تأمین وجه نمایند. صرفنظر از اینکه سازمان ها از طریق چه مکانیسم ها و ابزارهایی به تأمین مالی روی می آورند، اما این مسیرها از دو حال خارج نیست: یا تأمین مالی استقراضی (یا اعتباری)^۱ است و یا تأمین مالی بلاعوض^۲. بنابر این، اهدای مالی (Funding) نوعی تأمین مالی بلاعوض محسوب می شود و در واقع پولی است که توسط دیگران اعم از دولت، سازمان ها و افراد بیرونی برای انجام برنامه و پروژه ای مشخص، اختصاص داده می شود. در حالی که تدارک مالی (Financing) نوعی تأمین مالی استقراضی (یا اعتباری) و فرایند دریافت پول از بانک ها و سایر مؤسسات وام دهی است که برای انجام کلیه اهداف و امور سازمانی و نه فقط برنامه یا پروژه ای خاص در نظر گرفته می شود (Davies, 2016).

اهدای مالی (تمهید مالی بلاعوض یا Funding) آن گونه روش تأمین مالی است که بر اساس یک قرارداد، مبلغی پول از طرف دولت یا یک سازمان و یا یک فرد، به

1 - Financing

2 - Funding

دانشگاه یا موسسه آموزش عالی پرداخت می‌شود. این مبلغ، بلاعوض و رایگان^۱ بوده و نرخ بهره ندارد. در این قرارداد، انجام تعهداتی از سوی دو طرف گنجانده می‌شود و ممکن است بندهای مشخصی برای انجام وظایف مشخص از سوی دانشگاه یا موسسه آموزش عالی لحاظ شود، اما الزام به بازپرداخت اصل مبلغ و یا هزینه استفاده از پول (نرخ بهره) وجود ندارد. به طور معمول، دولت و نیز افراد نیکوکار و خیر^۲، مهم‌ترین تأمین‌کنندگان منابع مالی و اعطاء‌کنندگان وجوه به دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی هستند.

از سوی دیگر، تدارک مالی (تمهید مالی استقرایی یا اعتباری یا Financing) مبلغی است که پرداخت‌کننده، انتظار بازپرداخت آن مبلغ را دارد که گاه این مبلغ بازپرداختی همراه با نرخ بهره مشخصی نیز هست. در Financing پول رایگان^۳ نداریم. وجوه تدارک مالی (Financing) به طور معمول توسط اشخاص حقیقی و حقوقی مالی مثل بانک‌ها، سرمایه‌گذاران خطر پذیر^۴، حامیان کسب و کار^۵، سهامداران^۶ و غیره تأمین می‌شود. برخلاف اهدای مالی (Funding) که دارای منابع محدودی هست و در واقع رقابت بین دریافت‌کنندگان اعانات جریان دارد، در تدارک مالی (Financing) تعدد و تکثر تأمین‌کنندگان دیده می‌شود و در واقع رقابت بین وام‌دهندگان وجود دارد. به طور معمول، دو دسته منابع عمده مورد مراجعه در تدارک مالی (Financing) وجود دارد که در ادامه توضیح داده شده است.

بانک‌ها: موسسات وام‌دهی مثل بانک‌ها به افراد و سازمان‌ها اعتبار مالی می‌دهند تا آنها بتوانند پول مورد نیاز برای انجام امور جاری یا اهداف دیگر خود را تهیه کنند. این مبلغ به صورت استقرایی بوده و همراه با یک نرخ سود مشخص است. سرمایه‌گذاری خطرپذیر: معمولاً به تأمین مالی شرکت‌های استارت‌آپی اشاره دارد. از آنجا که فعالیت شرکت‌های استارت‌آپی، رساندن یک ایده به مرحله فروش بازاری

- 1 - free of charge
- 2 - philanthropists
- 3 - free money
- 4 - venture capitalists
- 5 - business angels
- 6 - shareholders

و سوددهی است، لذا همراه با ریسک نیز هست. با این وجود، سرمایه گذاری خطرپذیر ریسک پذیرش تأمین مالی اینگونه کسب و کارها را به امید کسب سود آینده، می پذیرد.

نکته دیگر اینکه، همچنانکه در هر تحقیقی، روش تحقیق بستگی به ماهیت و سؤال تحقیق دارد، در تأمین مالی هم، روش تأمین مالی بسته به ماهیت یک سازمان است. در بحث تأمین مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به عنوان سازمان‌هایی غیرانتفاعی نیز، گرچه هم کانال Funding و هم کانال Financing می تواند مورد استفاده قرار گیرد، اما استفاده از کانال Funding پررنگ تر و پرکاربردتر است. به علاوه، تمهید مالی و درآمدزایی برای دانشگاه‌های بزرگ و دانشگاه‌های کوچک و نیز دانشگاه‌های قدیمی و دانشگاه‌های جدید، متفاوت است.

هر چند برخی اصول کلی را در مورد هر دو گروه می توان برشمرد. همچنین، اهدای مالی (Funding) و تدارک مالی (Financing) مکمل هم هستند و نه جانشین هم. بدین معنی که در دسترس بودن تدارک مالی، نیاز برای دریافت اهدای مالی را برطرف نمی کند. در مجموع، از آنجا که تفکیک مفهومی بین اهدای مالی یا Funding و تأمین مالی یا Financing برای تصمیم گیری، سیاستگذاری و برنامه ریزی مالی بخش آموزش عالی مهم است و بسیاری از مدیران و مسئولان به تفاوت این دو مفهوم آشنایی ندارند، لذا لازم بود توضیحاتی هر چند مختصر در این زمینه ارائه شود. بنابراین، در پاسخ به این سؤال که تفاوت بین Funding و Financing چیست، جدول ۱، خلاصه ای از تفاوت های Funding و Financing را ارائه کرده است.

جدول ۱ - تفاوت Funding و Financing

به لحاظ	Funding	Financing
معانی مرتبط	اهدای مالی تأمین مالی بلاعوض تأمین مالی پروژه ای اعانات مالی	تدارک مالی تأمین مالی استقراری (یا اعتباری) تأمین وجه بازپرداختی تأمین وجه وامی
مورد مصرف	برای یک پروژه خاص	برای همه امور سازمانی
برگشت وجه	ندارد	دارد
استمرار	بروندادی	فرایندی
تأمین کنندگان	دولت - خیرین	مؤسسات مالی مثل بانک ها و سرمایه گذاران
گستره و منشاء منابع	محدود	وسیع
به لحاظ جانشین و مکمل	مکمل هم هستند و نه جایگزین هم	مکمل هم هستند و نه جایگزین هم
تعهدات	بر اساس قرارداد انجام خدمات	بر اساس قرارداد بازپرداخت پول
شکل رقابت	رقابت بین دریافت کنندگان	رقابت بین پرداخت کنندگان
نوع	نه فقط در شکل پول بلکه می تواند به شکل تخصیص زمان یا پذیرش یک مسئولیت هم باشد.	فقط در قالب پول است.
سازمان استفاده کننده	بیشتر برای سازمان های غیرانتفاعی	بیشتر برای سازمان های انتفاعی

منبع: یافته های مطالعه حاضر

روش های جذب اهدای مالی یا Funding

اهدای مالی (Funding) دارای منشاء های مختلف و انواع منابع است. هر چند به لحاظ تعدد و دامنه عمل، محدودتر از تدارک مالی (Financing) است. اهدای مالی (Funding)، مقوم و تقویت کننده تدارک مالی (Financing) است (Committee for Melbourn, 2014). منابع عمده اهدای مالی شامل موارد زیر است:

اعانات دولتی - همانطور که قبلاً بحث شد دولت ها و سازمان ها منابع اصلی تأمین مالی بلاعوض یا Funding هستند. بودجه اختصاص داده شده توسط دولت بر اساس برنامه یا دپارتمانی مشخص به بنگاه ها یا مؤسسات مختلف اعطاء می شود و اساساً برای شرکت های خصوصی، جوامع مدنی، عموم مردم یا افراد دیگر که در

راستای تحقق اهداف خاص دولت، فعالیت می‌کنند اختصاص می‌یابد. بودجه‌ای که از این طریق به برنامه‌های مختلف تخصیص داده می‌شود در هر سطحی از دولت می‌تواند باشد. دولت می‌تواند خود یا از طریق آژانس‌های دولتی وجوهی را برای پروژه‌هایی که از طریق فرایند اولویت بندی و گزینشی به فعالیت‌هایی که در راستای منافع اجتماعی هستند در اختیار دانشجویان یا محققان و حتی سازمان‌ها قرار می‌دهد.

ولی آیا بخش دولتی می‌تواند توسط بخش خصوصی تأمین مالی شود؟ بله. مثلاً در یک بیمارستان دولتی، دستگاه اسکنر بدن یا در یک دانشگاه دولتی، دستگاه‌های گران قیمت آزمایشگاهی می‌تواند توسط بخش خصوصی تهیه شود. این نه تنها غیراخلاقی نیست بلکه از بار و فشار بر بودجه دولتی و عمومی می‌کاهد.

کمک‌های خیرین- مبالغ دریافتی از افراد نیکوکار عمدتاً به سازمان‌های خیریه اختصاص می‌یابد که برای یک دلیل خاص اجتماعی ساخته شده‌اند. در رویکرد اهدای مالی، مسئولیت فراهم آوردن نیازهای مالی یک پروژه می‌تواند توسط یک حامی مالی^۱ یا یک واقف^۲ انجام گیرد.

اعانات شرکت‌ها - سازمان‌های انتفاعی و شرکت‌ها برای تأمین نیازهای پولی سازمان‌های اجتماعی و غیرانتفاعی، در چارچوب برنامه مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR)، وجوهی را برای سازمان‌های غیرانتفاعی تأمین می‌کنند. به خصوص، برای شرکت‌ها شاخص خالص مروجان^۳ (مشتریان وفادار) یا NPS اهمیت زیادی دارد. شرکت‌های انتفاعی با انجام اقداماتی نظیر فعالیت‌های بشردوستانه، حمایت از مناسبت‌های اجتماعی و حمایت بلندمدت از یک منفعت عمومی، سعی می‌کنند

1 - sponsor

2 - benefactor

۳ - شاخص Net Promoter Score (NPS) یک ابزار مدیریتی است که مقیاسی بین ۱ و ۱۰ دارد و میزان وفاداری مشتریان به یک شرکت یا سازمان را نشان می‌دهد و بر اساس پاسخ مشتریان و مصرف‌کنندگان به این سؤال ساده محاسبه می‌شود: تا چه حد احتمال دارد که شرکت یا کالا یا خدمات ما را به دوستان یا آشنایان خود توصیه کنید؟

بر شأن و منزلت اجتماعی خود بیافزایند.

اعانات عمومی^۱ - این کمک مالی معمولاً توسط سازمان های بزرگ جامعه برای اهداف مختلف از جمله ساخت مدارس یا برنامه های آگاهی رسانی^۲ ارائه می شود. اهدای مالی برای یک پروژه می تواند به طور مشترک هم توسط بخش دولتی و هم توسط بخش خصوصی انجام گیرد. در مجموع، در دنیایی که به طور روزافزونی با تنگناهای بودجه عمومی و مضایق مالی منابع عمومی مواجه هستیم، اهدای مالی یک روش مهم برای جذب منابع مالی است. ضمن اینکه این رویکرد، پیوندهای اخلاقی و مشارکت و تعهد جامعه و اجتماع محلی را با اجرای برنامه ها و پروژه های منطبق با منافع ملی مستحکم می کند (Davies, 2016).

وجوه اهدای مالی بازپرداخت ندارد و توسط گرنٹ دولتی یا نیکوکاران بخش خصوصی یا درآمد ناشی از اجاره بهای مایملک دانشگاهی یا صندوق های جمع آوری کمک ها و اعانات مردمی تأمین مالی می شود.

خواه در مورد یک دانشگاه یا هر سازمان غیرانتفاعی دیگری اصول یکسانی در مورد تأمین بودجه وجود دارد و آن اینکه: Funding برای یک پروژه یا برنامه اجرایی خاص^۳، تعلق می گیرد در حالی که Financing عمومی تر است. چنانکه پیداست، اهدای مالی و تأمین مالی، مشابهت هایی دارند اما یکسان نیستند. به طور کلی، سازمان های غیرانتفاعی مثل دانشگاه‌ها، انجمن های علمی، سمن ها و بیشتر به دنبال Funding و سازمان های انتفاعی مثل شرکت ها و بنگاه های کسب و کار به دنبال Financing هستند. حتی گاهی جذب منابع برای ایجاد زیرساخت های ملی که مترتب بر منافع اجتماعی است مثل دریافت عوارض در برخی آزادراه ها را می توان نوعی Funding دانست.

کارآفرینان نوپا، برای راه اندازی یک کسب و کار، به شدت نیازمند منابع مالی هستند. زیرا برخی از مشاغل نیاز به مبالغ زیادی برای شروع کار دارند. تلاش برای جذب اهدای مالی (Funding) بخشی از این فرایند است. حمایت مالی از ایده های

1 - Public Donation

2 - awareness programs

3 - program

تجاری این افراد، برای شکل گرفتن کسب و کار ضروری است. اهدای مالی (Funding) عمل جذب منابع برای تحقق یک نیاز، برنامه یا پروژه است. در حالی که این رویکرد معمولاً به دنبال پول است، اما می‌تواند به شکل پذیرش انجام یک مسئولیت یا اختصاص زمان توسط یک سازمان یا شرکت دیگر باشد. وجوهی از قبیل کمک مالی، یارانه و کمک‌های بلاعوض که هیچ الزام مستقیمی برای بازگشت مبلغ ندارند، به عنوان "بودجه نرم"^۱ یا "اعانات و اهدای جمعی یا گروهی"^۲ توصیف می‌شود. این وجوه را می‌توان برای اهداف کوتاه مدت یا بلند مدت اختصاص داد.

نکته دیگر اینکه، برخی سازمان‌ها برای جمع‌آوری و مدیریت منابع ناشی اهدای مالی (Funding) ایجاد شده‌اند و کار وساطت بین اشخاص حقیقی و حقوقی پرداخت کنندگان اعانات و اشخاص حقیقی و حقوقی دریافت کنندگان اعانات را به عهده دارند که هدف آنها جذب منابع در استخرهای پول^۳ اعطاء شده از طرف اهداء کنندگان و توزیع آن به متقاضیان مختلف است.

تأمین مالی مردمی (اجتماعی) (Crowd funding) چیست؟

تأمین مالی مردمی یا اجتماعی (Crowd funding) عبارت است از فرایند تأمین بودجه یک پروژه به صورت آنلاین و یا آفلاین و با جمع‌آوری مبالغ کم از تعداد زیادی از مردم. هر چند گاهی مبالغ قابل توجه نیز اعطاء می‌شود. مهمترین مؤلفه‌های تأمین مالی اجتماعی عبارتند از:

- تحقق یک هدف مشخص که باید مطرح شود.
 - پروژه ای که باید تأمین مالی شود (نه یک سازمان).
 - بازه زمانی که پویش^۴ جمع‌آوری پول برای آن اجرا می‌شود.
- این تأمین مالی، نوعی جمع‌آوری کمک‌های عمومی است یعنی افراد از طریق

1 - soft funding

2 - crowdfunding

3 - pools of money

4 - campaign

کسانی که می‌شناسند، تأمین مالی اجتماعی و موضوع طلب کمک را معرفی می‌کنند و آنها نیز به دوستانشان معرفی می‌کنند، و به این ترتیب در یک فرایند شبکه‌ای به جمعیت معتناهی دسترسی پیدا می‌شود.

تأمین مالی اجتماعی در واقع نوعی بودجه یابی مردمی است که در سطحی گسترده با استفاده از ابزارهای جدید فناوری اطلاعات و ارتباطات به جمع آوری وجوه و کمک‌های مالی از کمترین مبالغ تا بیشترین مبالغ می‌پردازد. با پشتیبانی همگانی از کمپین‌های جمع آوری کمک برای دانشگاه‌ها می‌توان امور مهمی از فعالیت‌های دانشگاهی را به پیش برد. هدف این روش، کشف فرصت‌های جدید در عمومی شدن مشارکت‌های مردمی در تقویت دانشگاه و در پروژه‌های دانشگاهی است که به مرور می‌تواند به تغییر زندگی محلی، منطقه‌ای و ملی منجر شود.

به طور کلی دو نوع سبد جمع آوری اعانات خیرخواهانه وجود دارد:

الف- جمع آوری کمک‌های مالی رابطه‌ای^۱: مبالغ بزرگ، تعداد کم (کمک‌های دولتی و یا شرکت‌ها)

ب- جمع آوری کمک‌های مالی عمومی^۲: مبالغ کم، تعداد زیاد (مثل جمع آوری چهره به چهره، ارسال نامه‌های پستی، ارسال ایمیل، تماس تلفنی، برگزاری مراسم حضوری جمع آوری کمک، رویدادها، شبکه‌های همتایان)

تأمین مالی اجتماعی در واقع یک فعالیت بازاریابی است و هدف از آن، یافتن نیکوکارانی است که عاشق پیشرفت علمی کشور و فرزندان کشور هستند. چون در تأمین مالی اجتماعی پایه گسترده‌ای از کمک‌کنندگان مدنظر هستند، لذا اعانات اندک نیز بسیار بارزتر محسوب می‌شوند. حمایت‌های هرچند اندک مردم می‌تواند تفاوت بزرگی ایجاد کند. ضمن اینکه، اهدای مبالغ اندک، برای مردم نیز سخت نیست و به بودجه خانوارها فشار وارد نمی‌کند. تأمین مالی اجتماعی پروژه محور و غیرانتفاعی است و بر اجرای کمپین‌های منظم تأمین مالی برای تأمین اعتبار هزینه‌های اجرایی خود تأکید دارد (Chuffed, 2020).

حتی تأمین مالی اجتماعی می‌تواند به مرور زمینه حضور مردم در اداره بهتر

1 - Relational Fundraising

2 - General Public Fundraising

دانشگاه در چارچوب حکمرانی خوب را فراهم آورد، چرا که یکی از اهداف الگوی حکمرانی خوب، جذب و همراه ساختن ذینفعان درونی و بیرونی است. مردم (والدین دانشجویان، کارفرمایان اقتصادی، خیرین اجتماع محلی و جامعه ملی) یکی از مهم‌ترین ذینفعان دانشگاه هستند که با پیشنهادهای خود به عنوان یک حامی مالی می‌توانند به اداره بهتر علمی و اجرایی دانشگاه، - به شرطی که پیشنهادهای در تعارض با کارکردها و اهداف دانشگاه نباشد - کمک کنند.

دامنه استفاده از ابزار تأمین مالی اجتماعی می‌تواند موضوعاتی با گستره بسیار وسیع و حتی نامحدودی را شامل شود. از جمع‌آوری پول برای پیشبرد یک پرونده دادگاهی گرفته (مثلاً برای استخدام وکیل) تا کمک به محیط زیست یا برنامه‌های مراقبت‌های بهداشتی از فقرا یا جمع‌آوری کمک برای آزمایش یک داروی خاص ضد سرطان، از مصادیق تأمین مالی اجتماعی است. حتی گاهی ممکن است خبرنگاران و روزنامه‌نگاران مستقل برای حفظ استقلال حرفه‌ای خود و تهیه اخبار و گزارش‌های بدون سوگیری از روش Crowd funding استفاده کنند. تأمین هزینه برای تهیه خبر توسط خبرنگاران باعث افزایش پیوند بین خبر، خبرنگار و مردم می‌شود و نقش مردم را به دور از فشارهای رسمی در هدایت و پیگیری خبر و تحلیل افزایش می‌دهد و انگیزه شخصی بیشتری در خبرنگاران و روزنامه‌نگاران مستقل ایجاد می‌کند. مورد اخیر می‌تواند برای پژوهشگران مستقل نیز به کار رود.

جمع‌آوری پول در اینترنت برای اولین بار در جوامع هنری مورد استفاده قرار گرفت. اولین نمونه قابل توجه تأمین مالی اجتماعی در صنعت موسیقی در سال ۱۹۹۷ بود، هنگامی که طرفداران گروه موسیقی انگلیسی Marillion با استفاده از یک کمپین اینترنتی برای جمع‌آوری هزینه‌های تورهای این گروه در ایالات متحده، مبلغ ۶۰ هزار دلار کمک مالی جمع کردند. این گروه، سپس از این روش برای تأمین بودجه تولید آلبوم‌های خود استفاده کرد. در مورد مؤسسات آموزش عالی، کمپین‌های مبتنی بر تأمین مالی اجتماعی می‌تواند در قالب باشگاه

طرفداران دانشگاه تعریف و از اعضاء حق عضویت گرفته شود، کمپین جمع‌آوری کمک مالی به دانشجویان یک دانشگاه بخصوص یا کلیه دانشجویان برای پوشش هزینه‌های تحصیلی یا هزینه‌های زندگی حین تحصیل آنها، یا کمپین جمع‌آوری حمایت مالی از اعضای هیات علمی یا پژوهشگران جوان برای پیشبرد ایده‌هایشان نمونه‌هایی از پوشش‌های حوزه آموزش عالی است.

تأمین مالی اجتماعی برای دانشگاه

دنیای غیرانتفاعی (و از جمله دانشگاه) به ندرت خود را درگیر مباحث شفاف و واضح در مورد استراتژی بلند مدت و پایدار تأمین بودجه و جذب منابع مالی می‌کند (Foster et al., 2009). این در حالی است که آینده تأمین مالی علم، از طریق تأمین مالی اجتماعی خواهد بود. در شرایطی که حمایت‌های بودجه دولتی از تحقیقات علمی رو به کاهش است، استفاده از ابزار تأمین مالی اجتماعی ارزش آزمون و خطا را دارد. هرچند، گرچه در تأمین مالی اجتماعی ممکن است مبالغ جمع‌آوری شده برای پوشش کل بودجه مورد نیاز دانشگاه، کافی نباشد اما می‌تواند به عنوان یک ابزار مکمل، جنبه‌های قابل توجهی به موازات تأمین بودجه سنتی به وجود آورد. به عبارت دیگر، تأمین مالی اجتماعی ممکن است راه حل کاملی نباشد، اما یک وسیله جایگزین همراه با شفافیت بیشتر و تعامل عمومی بهتر، نسبت به روش‌های موجود برای پشتیبانی مالی است (Science Exchange Team, 2012). با کاربرد تأمین مالی اجتماعی می‌توان هزینه‌های تحصیل دانشجویان و تجهیزات آزمایشگاهی و کلاس درس را در یک گستره عمومی تأمین کرد (Llorente and Morant, 2015).

مردمی سازی تأمین مالی دانشگاه از طریق تأمین مالی اجتماعی

به طرُق مختلفی می‌توان اقدام به اجرایی کردن تأمین مالی اجتماعی دانشگاه نمود. در ادامه به پنج مورد از آنها می‌پردازیم:

۱- استفاده از کمک‌های فردی

به طور کلی در دنیا حدود ۷۰ درصد کل کمک‌های مالی به موسسات غیرانتفاعی و دانشگاه‌ها توسط افراد نیکوکار تأمین می‌شود. این کمک‌ها می‌تواند فقط برای

یکبار و یا به شکل مداوم اهداء شود. افرادی که موردی و فقط برای یکبار به دانشگاه کمک می‌کنند معمولاً مبالغ بیشتر و قابل توجهی اعطاء می‌کنند و خیرینی که منظم و مستمر کمک می‌کنند مبالغ کمتری به عنوان کمک به دانشگاه می‌پردازند^۱. در هر صورت، آنچه اهمیت دارد این است که دانشگاه به شکلی سیستماتیک، برنامه‌ریزی شده، منظم و پیوسته با این افراد در ارتباط باشد. وقتی صحبت از اهداء کنندگان فردی است، لازم است تک به تک آنها توسط دانشگاه، شناسایی شوند و فهرستی از نیکوکاران بالقوه و بالفعل تهیه شده و برای ارتباط با آنها برنامه‌ریزی شود. ذیل این مبحث و برای افزایش کمک‌های اشخاص نیکوکار و خیر با رویکرد مذهبی می‌توان ارتباط با مراجع عظام قم و سایر شهرهای بزرگ برای جلب موافقت آنها در کمک به دانشگاه‌ها را تقویت کرد. مراجع دینی هم می‌توانند از سهم خمس خود در اختیار دانشگاه‌ها قرار دهند و هم اینکه به افراد نیکوکار توصیه کنند تا کمک‌ها و موقوفاتی را به موسسات آموزش عالی اهداء نمایند. حتی ارزشش را دارد که دانشگاه هیئت‌هایی را برای ملاقات با مراجع به حوزه‌های علمیه بفرستد و نیازها و کمبودهای آموزشی (مثل تجهیزات آزمایشگاهی) و غیرآموزشی (مثل خوابگاه) را به اطلاع آنها برساند. برای استفاده از کمک‌های فردی، مسیرهای دریافت کمک‌ها و حمایت‌های مالی

۱ - یکی از معروف‌ترین کمک‌های فردی به دانشگاه‌ها، کمک یک میلیارد و هشتصد میلیون دلاری مایکل بلومبرگ شهردار سابق نیویورک به دانشگاه جانز هاپکینز است که در سال ۲۰۱۸ اعطاء شد. او که خود فارغ التحصیل این دانشگاه است گفته بود که می‌خواهد با این پول، بودجه کمک به دانشجویان کم‌درآمد و یا آنهایی که درآمدها در سطح متوسط است را تقویت کند. دانشگاه جانز هاپکینز که قدیمی‌ترین دانشگاه تحقیقاتی ایالات متحده است اعلام کرده این پول اهدایی، به دانشگاه اجازه می‌دهد که وام دانشجویی را حذف کند و در عوض به دانشجویان بورس تحصیلی بدهد که نیازی به بازپرداخت آن مبلغ نباشد. این میزان کمک، بزرگترین مبلغی است که تاکنون به یک موسسه آموزشی در آمریکا (و یا حتی در جهان) اهدا شده است. اگر هر دلار آمریکا را (در زمان نگارش این گزارش) حدوداً معادل ۲۷ هزار تومان در نظر بگیریم، ارزش ریالی این مبلغ بالغ بر ۴۸ هزار میلیارد تومان می‌شود که معادل بودجه چندین سال وزارت علوم کشورمان است.

می‌تواند به شکل سنتی (آفلاین) و یا جدید (آنلاین) باشد. بهترین نتایج معمولاً هنگام ترکیب تکنیک‌های جمع‌آوری سنتی (آفلاین) و مدرن (آنلاین) برای جمع‌آوری پول است. گرچه به طور روزافزونی روش‌های جدید مورد توجه اهداء کنندگان قرار می‌گیرد.

روش‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی به صورت سنتی (آفلاین)

- بسته‌های پستی: این روش جمع‌آوری کمک‌های مالی آفلاین هنوز مورد استفاده افراد و سازمان‌های غیرانتفاعی قرار می‌گیرد زیرا به طور کلی کم‌هزینه و کارآمد است. به ویژه برای موسسات غیرانتفاعی کوچک و یا افراد و سازمان‌های غیرانتفاعی که به صورت محلی عمل می‌کنند بسیار مفید است. علاوه بر این، اهدا کنندگان مسن بیشتر احتمال دارد نامه مستقیم را ترجیح دهند. بدین معنی که اگر مخازن اهداء کنندگان^۱ موسسه غیرانتفاعی متشکل از افراد مسن باشد، نامه پستی مستقیم مؤثر خواهد بود.

مراسم^۲: مراسم مختلف دانشگاهی (مثل هفته پژوهش، روز معلم، روز دانشجو، سالروز تأسیس دانشگاه و ...) جزو ابزارهای مؤثر جمع‌آوری کمک‌های مالی هستند، زیرا فضایی را فراهم می‌کنند که در آن اهدا کنندگان غیرانتفاعی و بالقوه بتوانند با یکدیگر در تعامل باشند. اینگونه مراسم می‌توانند باعث افزایش سرمایه‌گذاری آنلاین هم بشوند. همچنین در چنین رویدادهای حضوری، به دلیل آشنایی‌های چهره‌به‌چهره، اگر اسم افراد در حضور جمع و دیگران بیان و از حضور آنها تقدیر شود احتمال بیشتری وجود دارد که آنها اقدام به اهدای اعانات با مبالغ زیاد نمایند.

- جمع‌آوری کمک‌های مالی به صورت درب‌به‌درب^۳: اگرچه در این سال‌ها جمع‌آوری کمک‌های مالی درب‌به‌درب یعنی روشی که نماینده موسسه غیرانتفاعی حضوراً به درب منزل اهداء کننده مراجعه می‌کند، به دلیل تغییر روش‌های جذب منابع کاهش یافته است، اما هنوز هم توسط برخی از سازمان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند.

درخواست تلفنی^۴: درخواست‌های تلفنی درخواست‌های کمک‌های مالی از طریق تلفن است

1 - donor pool

2 - Events

3 - door-to-door

4 - Phone solicitations

که گرچه این روش نیز طی سال‌های گذشته کمرنگ شده، ولی هنوز وجود دارد و امتحان می‌شود.

روش‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی به صورت جدید (آنلاین)

این روش‌ها مبتنی بر کاربرد اینترنت هستند. هر چند در جمع‌آوری اعانات، موقعیت جغرافیایی و محلی تأثیرگذار است، اما روش‌های جدید تأمین مالی اجتماعی الزاما به مکان وابسته نیست و افراد از هر کجای جهان می‌توانند به دانشگاه مورد نظر خود کمک کنند. مثلاً تعبیه مناسب قسمت‌هایی برای جذب حمایت مالی از طریق سایت دانشگاه. به علاوه، استفاده از تأمین مالی اجتماعی در یک سایت اینترنتی که جذب منابع برای یک پروژه خاص را در قالب یک کمپین اینترنتی جستجو می‌کند، احتمال موفقیت بیشتری دارد نسبت به موارد کلی. چرا که استراتژی تأمین مالی پروژه محور، بهتر جواب می‌دهد. مثلاً تلاش برای جمع‌آوری پول ساخت یک خوابگاه دانشجویی یا یک آزمایشگاه، نسبت به اینکه بگوییم آن دانشگاه برای انجام فعالیت‌هایش به پول نیاز دارد و با کمبود منابع مالی مواجه است.

از این رو اهمیت حیاتی دارد که دانشگاه، اختصاص وقت و تلاش برای درخشش وب‌سایت و صفحه‌های آنلاین خود را نوعی سرمایه‌گذاری قلمداد کند. بنابراین لازم است اطمینان حاصل شود که اهداکننده بالقوه با یک وب‌سایت کاربر پسند روبرو شده و مسیری روان و آسان را برای کسب اطلاعات تجربه می‌کند. دکمه‌های کمک در سایت دانشگاه بایستی در معرض دید باشد. یک فرد نیکوکار و اهداکننده بالقوه باید بتواند در عرض چند ثانیه لینک‌های کمک خود را در سایت دانشگاه پیدا کند و وارد صفحه اهداء کنندگان بشود. همچنین، لازم است طراحی صفحه اینترنتی کمک‌های مالی، سازگار با تلفن همراه بوده و در یک صفحه به صورت ساده و روان اطلاعات مورد نیاز داوطلب کمک، ارائه شود. سایت دانشگاه و به خصوص صفحه مربوط به کمک‌کنندگان بایستی به طور مرتب به روز رسانی شود و با ایمیل یا پیام کوتاه موبایل به طور دائم با کمک‌کنندگان در ارتباط باشد و

به صورت موازی در شبکه های اجتماعی دانشگاه (مثل اینستاگرام، واتساپ و تلگرام) آن فرد نیکوکار به عضویت درآید و معرفی شود. در سایت و یا در اپلیکیشن دانشگاه، گزینه های متنوع پرداخت کارگذاری شود، مثلاً گزینه های کمک ۵۰ هزار تومانی، ۱۰۰ هزار تومان، ۵۰۰ هزار تومانی و گزینه سایر مبالغ. همچنین از تصاویر، فیلم ها و جملات قدرتمند و تأثیرگذار استفاده گردد. حتماً یک داستان واقعی مربوط به مشکلات ناشی از کمبودهای فیزیکی و مالی دانشگاه گفته شود. یک داستان همان چیزی است که باعث ایجاد یک کمپین موفق جمع آوری نقدینگی می شود.

۲- کمک هزینه^۱

افراد و سازمان های غیرانتفاعی و همچنین بنیادهای خصوصی و عمومی می توانند برای کمک های مالی در سطح محلی، استانی و ملی از دولت درخواست حمایت مالی کنند. به طور کلی، این سازمان ها ملزم به بازپرداخت پولی نیستند که از طریق کمک هزینه یا گرنت دریافت کرده اند. تقریباً در تمام کشورهای دنیا، برای دریافت کمک هزینه یا گرنت، افراد یا سازمان های متقاضی باید وضعیت حقوقی خیریه یا غیرانتفاعی داشته باشند.

یکی از مزایای گرنت این است که آنها می توانند موجب حرکت رو به جلو پروژه های بزرگ شوند، این امر امکان تأثیرگذاری در مقیاس بزرگ اجتماعی را فراهم می کند که بدون وجود گرنت، ممکن نبود. البته دریافت گرنت با شرایط خاصی همراه است. این شرایط برای مواردی مثل نحوه استفاده دقیق از پول اعمال می شود. همچنین گزارش مصارف گرنت باید انجام گیرد و در برخی موارد، شرط دریافت گرنت، وجود خروجی ها یا نتایج خاص است. به طور کلی، شرایط اعطای گرنت بسته به اعطاء کننده گرنت، متفاوت است.

۳- حامی مالی شرکتی^۲

حامی مالی شرکتی می تواند منبع قابل توجه بودجه برای افراد، دانشگاه ها و سازمان های غیرانتفاعی باشد. شرکت ها معمولاً برای بهبود چهره بشردوستانه خود

1 - Grants

2 - Corporate sponsorships

و یا در جهت تبدیل شدن به یک سازمان با مسئولیت‌پذیری اجتماعی ترجیح می‌دهند در پروژه‌های با ماهیت اجتماعی و دارای منافع عمومی شریک شوند. بنابراین تا زمانی که دلایل دریافت کمک‌های مالی با مأموریت و ارزش‌های غیرانتفاعی دانشگاه مطابقت دارند، حمایت مالی شرکتی می‌تواند یک منبع مهم برای بودجه باشد.

به طور کلی، در تعاملات مالی غیرانتفاعی، تراز ارزش^۱ اهمیت زیادی دارد. هم برای اعطاء کنندگان منابع مالی و هم برای دریافت کننده منابع مالی، مهم است که با چه کسی مشارکت دارند. آنها نمی‌خواهند اعتبارشان خدشه دار شود. هر دو طرف محاسبه می‌کنند که در این تعامل، چه چیزهایی به دست می‌آورند و چه چیزهایی از دست می‌دهد. پس، تراز ارزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل است که امروزه اهدا کنندگان خواستار شفافیت هستند، و با احتیاط در مورد اینکه از چه کسی حمایت مالی کنند، عمل می‌کنند. در مجموع، هر دو طرف دریافت کننده حمایت مالی و پرداخت کننده کمک‌های مالی نگران اعتبار آینده خود هستند.

۴- حق عضویت^۲

این منبع بودجه غیرانتفاعی لزوماً برای هر دانشگاه و مؤسسه غیرانتفاعی کار نخواهد کرد، اما ارزش دارد که متقاضیان حمایت مالی آن را امتحان کنند. هر یک از انواع روش‌های تأمین مالی اجتماعی ویژگی‌های خاص خود را دارد و بسته به مأموریت‌ها و وظایف مؤسسات غیرانتفاعی ممکن است بعضی از این روش‌ها با اهمیت‌تر و برخی کم‌اهمیت‌تر باشند. برخی نیز ممکن است در عمل نتیجه ندهند، اما با این وجود، این روش‌ها ارزش آزمایش کردن را دارد.

بنابر این، هر دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی بایستی مأموریت‌های خود را در نظر بگیرید و بر اساس آن، تصمیم بگیرید کدام روش تأمین مالی

1 - Value alignment

2 - Membership Fees

اجتماعی ممکن است برایش مفیدتر باشد. استفاده از جریان درآمدی حق عضویت نیز یکی از این روش هاست.

این منبع تأمین مالی زمانی کارایی دارد که دانشگاه یا مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی بتواند برنامه های منحصر بفرد و جذاب، همراه با منافع اختصاصی برای اعضای خود ارائه دهد. مثلاً دانشگاه می تواند گروه هایی با نام باشگاه هواداران دانشگاه یا مجمع فارغ التحصیلان دانشگاه در شبکه های اجتماعی ایجاد نموده و برای آنها برنامه های آموزشی و مهارتی ارائه دهد یا سخنرانی های عمومی برگزار کند. این مورد، برای دانشگاه های بزرگ حتی می تواند در سطح دانشکده انجام گیرد، مثلاً مجمع فارغ التحصیلان دانشکده فنی دانشگاه تهران. این روش به دنبال جذب منابع مالی از کسانی است که دانشگاه در شکل گیری موفقیت فعلی آنها نقش داشته است. این امر به این دلیل است که اینگونه ذینفعان احساس می کنند که در گذشته ارزش زیادی از موسسه دریافت کرده اند، و مایل به کمک به دیگران در دریافت همان مزایا هستند. آنها می خواهند با این کمک های خود، منافع فردی که در گذشته دریافت کرده اند را به یک خدمت به منافع اجتماعی بالاتر و ارزش افزوده بیشتر تبدیل کنند.

به لحاظ استفاده از این روش، دانشگاه پرینستون^۱ آمریکا یک نمونه برجسته است. این دانشگاه در مورد بهره گیری از کمک های فارغ التحصیلان، بسیار موفق عمل کرده است به طوری که دارای بالاترین میزان اعطای فارغ التحصیلان در بین دانشگاه های آمریکاست. بدین معنی که حدود ۶۰ درصد فارغ التحصیلان این دانشگاه پس از فراغت از تحصیل اقدام به کمک به دانشگاه سابق خود کرده اند. در سال ۲۰۰۸، بیش از ۳۳ هزار دانش آموخته پرینستون مبلغی بالغ بر ۴۳ میلیون دلار به دانشگاه اهداء کردند. این در حالی است که بیش از ۵۰ درصد بودجه عملیاتی دانشگاه پرینستون توسط کمک های مالی و درآمد حاصل از موقوفات آن تأمین می شود. توجه و بررسی دقیق تر تجارب این دانشگاه در زمینه جذب منابع مالی در چارچوب یک مطالعه تطبیقی می تواند برای دانشگاه های ایران درس آموز باشد.

۵- کمک های غیرنقدی

تأکید شد اقسامی از تأمین مالی اجتماعی برای همه انواع سازمان‌های غیرانتفاعی نظیر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کاربرد ندارد ولی در عین حال به لحاظ تقویت حس نوع دوستی و حمایتگری اجتماعی دارای ارزش بسیاری است. اعاناتی که می‌تواند به شکل کمک‌های غیرنقدی و کالایی باشد از جمله این موارد است. مثل ارسال غذا و آب به مناطقی که در اثر بلایای طبیعی آسیب دیده‌اند و یا کمک‌های خوراک و پوشاک و دارو که می‌تواند برای افراد بی‌بضاعت و بی‌خانمان اختصاص یابد. این قسم حمایت‌ها در مواردی حتی برای حمایت از حیات وحش و حیوانات می‌تواند کاربرد داشته باشد. مشخص نیست که این روش، چقدر می‌تواند برای یک دانشگاه مورد استفاده قرار گیرد. گرچه ممکن است در بین دانشجویان نیز از افراد متعلق به پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین حضور داشته باشند. اگر برآوردهای یک دانشگاه نشان دهد که تعداد قابل توجهی از دانشجویان در این رده اقتصادی هستند بخش‌هایی از سایت دانشگاه می‌تواند برای جمع‌آوری کمک‌های غیرنقدی برای دانشجویان بی‌بضاعت اختصاص یابد.

توجه به این نکته نیز ضروری است که کمک‌های غیرنقدی فقط شامل مواردی مانند غذا، لباس و دارو نیست. این کمک‌ها می‌تواند شامل مواردی باشد که مثلاً یک صاحب‌نظر معروف به صورت رایگان برای دانشجویان، یک سخنرانی ارائه می‌دهد یا یک متخصص برای اعضای هیئت علمی یا مدیران دانشگاه یک کارگاه آموزشی برگزار می‌کند یا حتی کسی که وب‌سایت دانشگاه را بدون هیچ هزینه‌ای راه‌اندازی می‌کند، جزو این دسته از تأمین مالی اجتماعی قرار می‌گیرد (Ibrisevic, 2018).

استفاده از تأمین مالی اجتماعی برای تحقیقات

تأمین مالی پژوهش^۱، اصطلاحی است که عموماً دربرگیرنده هرگونه تأمین بودجه برای

پژوهش‌های علمی - هم در حوزه‌های علوم و فناوری و هم در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی - است. این اصطلاح، غالباً به معنای تأمین بودجه از طریق فرایندی رقابتی است؛ فرایندی که در آن، پروژه‌های پژوهشی ارزیابی شده و معمولاً فقط ثمربخش‌ترین و نویدبخش‌ترین پروژه‌ها از بودجه برخوردار می‌شوند. بودجه تحقیقاتی می‌تواند به تجاری و غیرتجاری تقسیم شود. بخش اعظم بودجه پژوهش از دو منبع بسیار مهم تأمین می‌شود: شرکت‌های خصوصی (از طریق واحدهای تحقیق و توسعه) و دولت‌ها (عمدتاً از طریق دانشگاه‌ها و مؤسسات دولتی تخصصی). بخشی از پژوهش‌های علمی را بنیادهای خیریه انجام می‌دهند (یا تأمین مالی می‌کنند)، به‌ویژه پژوهش‌هایی که در ارتباط با یافتن درمان‌هایی برای بیماری‌هایی نظیر سرطان، مالاریا و ایدز است. در برخی از جوامع علمی، استفاده از فرصت‌های جدید تأمین مالی تحقیق با استفاده از روش تأمین مالی اجتماعی به شکل فزاینده‌ای در حال پیگیری است. مثلاً تعدادی طرح مانند Experiment.com، یا The Open Source Science Project، در زمینه تأمین مالی اجتماعی پژوهش پدیدار شده‌اند که در زمینه جمع‌آوری منابع برای پروژه‌های علمی فعالیت می‌کنند. همچنین تعدادی وبسایت تأمین مالی اجتماعی دانشگاهی وجود دارد که دانشجویان و کارکنان دانشگاه را قادر می‌سازد پروژه‌هایی را پیشنهاد و از طریق فارغ‌التحصیلان دانشگاه یا عموم مردم تأمین مالی شوند.

طرفداران این روش جمع‌آوری کمک‌های مالی تأکید می‌کنند که این ابزار به دانشمندان و پژوهشگران تازه کار اجازه می‌دهد تا برای پروژه‌های خودشان کمک مالی درخواست کنند. تأمین مالی اجتماعی به ویژه برای محققان جوان در جهت تأمین اعتبار مالی بخشی از پروژه‌های تحقیقاتیشان مفید است. این امر دانشمندان و محققان را وامی‌دارد که به طور واضح و بی‌واسطه با عموم مردم ارتباط برقرار کنند و در مورد پروژه خود به آنها توضیح دهند. این روش ضمن اینکه عدم ثبات و ناپایداری تأمین بودجه پروژه‌های تحقیقاتی را کاهش می‌دهد باعث می‌شود عموم مردم در جریان کم و کیف پروژه‌های تحقیقاتی قرار گیرند و نسبت به آنچه که در دنیای پژوهش می‌گذرد، آگاهی بخشی صورت گیرد و پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری تحقیقات افزایش یابد.

نکته شایسته توجه اینکه تأمین مالی اجتماعی می تواند منجر به تقویت علم شهروندی^۱ شود. علم شهروندی مرتبط با آن دسته از تحقیقات علمی^۲ است که به عنوان مشارکت عمومی در تحقیقات علمی، نظارت مشارکتی و تحقیقات مبتنی بر اقدام پژوهی مشارکتی توصیف می شود و از نتایج مثبت آن گسترش پژوهش و همچنین افزایش درک عموم مردم از علم است.

البته این روش تأمین مالی پژوهش منتقدانی نیز دارد. به اعتقاد اینان، در تحقیقات علمی که بودجه آنها با روش تأمین مالی اجتماعی تمهید می شود بایستی مواظب کیفیت تحقیقات بود. اینگونه تحقیقات، نظارت علمی بایسته ای می طلبد. هر چند، نظارت کیفی اصلی است که همه تحقیقات علمی باید از آن برخوردار باشند. این منتقدان معتقدند که اگر غیر پژوهشگران و غیردانشمندان مجاز به تصمیم گیری در مورد بودجه باشند، این احتمال وجود دارد که علم خرس پاندا^۳ تأمین مالی شود، یعنی تحقیقاتی با جذابیت گسترده، اما با ماهیت و ارزش علمی پایین (Schäfer et al., 2018).

الزامات و پیش بایست های موفقیت جذب تأمین مالی اجتماعی

تأمین مالی اجتماعی یک مفهوم مرتبط با بافتار اجتماعی^۴ است. یعنی از فرهنگ عمومی تبعیت می کند (Schäfer et al., 2018). به همین خاطر در کشورهایی که با این مفهوم غرابت ندارند، برای موفقیت این روش، تغییر و اصلاح طرز تفکر دولت و فرهنگ جامعه یک مشکل اساسی است (Committee for Melbourn, 2014).

۱ - علم شهروندی یا Citizen science - CS شامل آن دسته از تحقیقات علمی است که توسط محققان آماتور انجام شده و به عنوان مشارکت عمومی در تحقیقات علمی، نظارت مشارکتی و تحقیقات مبتنی بر اقدام پژوهی مشارکتی توصیف می شود که نتایج آن اغلب پیشرفت در تحقیقات علمی و همچنین افزایش درک عموم مردم از علم است. علم شهروندی یک کار علمی انجام شده توسط داوطلبانی از عموم جامعه، غالباً با همکاری یا تحت هدایت محققان و دانشمندان حرفه ای و مؤسسات علمی شناخته شده، است.

2 - Scientific research

3 - panda bear science

4 - contextualized

برای جمع آوری سرمایه، به جلب علاقه و اعتماد سرمایه گذاران اجتماعی نیاز است. باید این سرمایه گذاران را با پروژه های با بازده اجتماعی بالا آشنا کرد. با نمایش آثار مثبت و پتانسیل های سطح بالا از پروژه ها، سرمایه گذاران بیشتر علاقمند می شوند تا پول خود را در آن پروژه ها خرج کنند.

گردانندگان کمپین ها بایستی انگیزه و توان زیادی داشته باشند. آنها باید قادر باشند ارزشمندی پروژه را برای اهداء کنندگان سخاوتمند به خوبی نمایان سازند و در آنها ایجاد انگیزه نمایند. به همین خاطر، اطلاعات مربوط به پروژه ها بایستی دقیق و شفاف برای مخاطبان بیان شود و آثار مثبت کوتاه مدت یا بلند مدت آنها معلوم گردد. در تأمین مالی اجتماعی یافتن جمله های تاثیرگذار اهمیت زیادی دارد. ماهیت پروژه و ارائه استدلال های قوی برای نشان دادن ضرورت و اهمیت پروژه در موفقیت کمپین نقش اساسی دارد.

بدیهی است که پیش نیاز موفقیت تأمین مالی اجتماعی آنلاین، ایجاد زیرساخت های قوی فناوری های جدید است. به علاوه، همراهی سلبریتی های محلی و ملی در این پویا ها می تواند به توفیق تأمین مالی اجتماعی کمک کند (Architecture in Development, 2019).

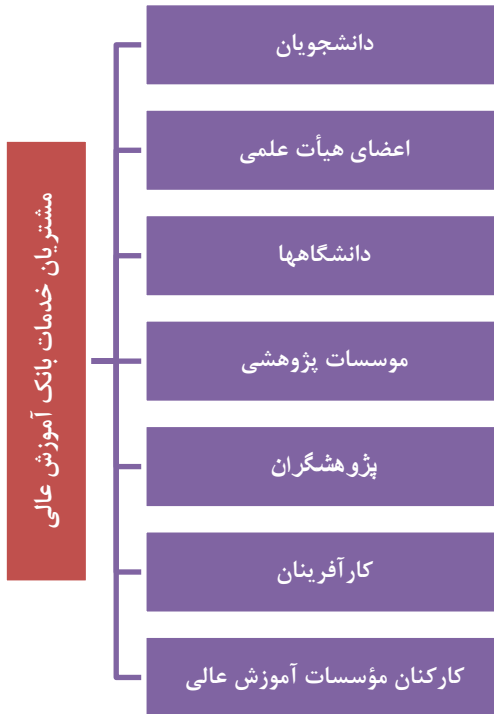
بسترهای قانونی، پیش بایست مهم دیگر در این مبحث است. پرسشی که مطرح می شود این است که آیا بستر و چارچوب قانونی دریافت کمک هزینه و یا تأمین مالی اجتماعی دانشگاه به شکل مطلوبی در ایران وجود دارد؟ و نکته مهم دیگر مربوط به ترکیب اعضای هیئت امنای دانشگاه هاست. در اعضای هیات امنای دانشگاه ها باید تجدید نظر شود به طوری که برخی از اعضا، ارتباط موثری با بدنه کارفرمایی و بنگاه های اقتصادی ملی و محلی داشته باشند. مایکل بلومبرگ سال ها عضو هیئت امنای دانشگاه جان هاپکینز آمریکا بود.

سایر روش های مردمی سازی تأمین مالی آموزش عالی

۱- ایجاد بانک آموزش عالی

تأسیس و تشکیل یک بانک مختص بخش آموزش عالی می‌تواند با جذب پس‌اندازها و سرمایه های عموم مردم کمک بزرگی در جهت مردمی سازی تأمین مالی آموزش عالی، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی باشد.

گستره دریافت کنندگان خدمات از بانک آموزش عالی شامل: مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، دانشجویان، اعضای هیئت علمی، کارکنان مؤسسات آموزش عالی، پژوهشگران، کارآفرینان و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی است (شکل ۱).



شکل ۲ - گستره دریافت کنندگان خدمات از بانک آموزش عالی

نکته دیگر اینکه این بانک اگر تأسیس و تشکیل شد، بایستی دولتی باشد و یا از حمایت‌های دولتی برخوردار شود، چرا که علم یک کالای عمومی است.

۲- ایجاد شرکت بیمه

بخش آموزش عالی می‌تواند یک شرکت بیمه مخصوص به خود داشته باشد. مثل بیمه معلم که مربوط به آموزش و پرورش است، وزارت علوم هم باید تلاش کند یک شرکت بیمه تحت نظر خود تأسیس نماید. به عنوان یک قلم از توان بالقوه درآمدزایی این شرکت بیمه، در نظر بگیرید اگر به ازاء هر دانشجو سالانه مبلغی معادل ۵۰ هزار تومان پوشش بیمه‌ای به این شرکت بیمه پرداخت شود، با احتساب حدود ۴ میلیون دانشجو، این شرکت بیمه حدود ۲۰۰ میلیارد تومان درآمد خواهد داشت در حالی که احتمالاً در حدود یک دهم این مبلغ صرف پرداخت خسارت می‌شود. ضمن اینکه اعضای هیئت علمی، کارکنان دانشگاه‌ها و خانواده‌هایشان نیز می‌توانند از خدمات این شرکت بهره‌جویند.

حدود و ثغور جذب منابع توسط دانشگاه‌ها

دانشگاه‌ها مثل بنگاه‌های معمول در نظریه اقتصادی نیستند. آنها کالای همگنی تولید نمی‌کنند، آنها بنگاه‌های حداکثر کننده سود نیستند، و محصولات تولیدی آنها مشخص شده و دارای تعریف آشکار نیست (Barr, 2004). البته، در شرایط اقتصادی که آموزش عالی با مضایق و تنگناهای بودجه‌ای فزاینده‌ای مواجه است، رهبران دانشگاهی ممکن است وسوسه شوند از هر راهی که می‌توانند منابع مالی جذب کنند، اما این یک اشتباه خواهد بود (Foster et al., 2009). هیچ روش تأمین منابعی نباید رسالت‌ها، تعهدات اخلاقی و کارکردهای اصلی دانشگاه را خدشه دار کند. در عین حال، می‌توان به راهکارهایی دست یافت که ضمن حفظ شأن دانشگاه، ممرهای درآمدی متنوع و مشخصی نیز ایجاد شود.

جان راجر کامونز از بنیانگذاران اقتصاد نهادگرایی جدید، آنجا که صحبت از تفکیک ناپذیر بودن اقتصاد و اخلاق می‌کند، معتقد است که هر شغل و پیشه‌ای، اخلاق مربوط به خود را دارد (مثل اخلاق داد و ستد و یا اخلاق پزشکی). به عبارت دیگر، هر کسی که انجام وظایف شغلی معینی را به عهده دارد، در مقابل جامعه دارای

مسئولیت اخلاقی است. هر شخصی که برای گذران زندگی به فعالیت اقتصادی می‌پردازد در این حیطة از اخلاق مشارکت دارد و هیچ شغلی از رعایت اصول اخلاقی مبرا نیست (Commons, 1970, p. 196). این موضوع را می‌توان به بخش‌های مختلف جامعه نیز تسری داد یعنی بخش‌های مختلف مثل بخش صنعت، کشاورزی و امثالهم دارای یک مسئولیت اخلاقی تاریخی در قبال جامعه خود هستند. بخش آموزش عالی نیز به سهم خود، به دلیل اینکه مسئولیت مهم کمک به پرورش و تقویت استعداد دانشجویان را به عهده دارد، بایستی در عمل، ابعاد اخلاقی، هنجاری و ارزشی را در وظایف، ماموریت‌ها و کارکردهای خود به اجراء درآورد.

این در حالی است که اغلب موسسات آموزش عالی در کشورهای درحال توسعه، موقعیت برج عاج نشینی^۱ و گوشه‌دنج‌گزینی خود را حفظ کرده‌اند (Sanyal, 2001). در شرایطی که جهانی شدن هر روز برگستره خود می‌افزاید دانشگاه‌های کشورهای توسعه نیافته با کاهش کیفیت و ایستایی مواجهند (Tonderai, 2007). بدون افزایش کیفیت و کمیت آموزش عالی، به سختی می‌توان احتمال داد که کشورهای فقیر و در حال توسعه جهان از میدان پر رقابت شرایط جدید جهانی سربلند بیرون آیند (Tilak, 2000). یکی از راه‌های افزایش کیفیت و اثربخشی دانشگاه‌ها این است که مسئولیت اجتماعی بیشتری بپذیرند و در مقابل انتظارات متنوع جامعه و ذینفعان خود پاسخگوتر باشند. از این روی، دیگر نمی‌توان به طور ساده، ماموریت‌های آموزش عالی را به کارکردهایی مثل آموزش، پژوهش و خدمات محدود کرد.

واژه نامه انگلیسی لانگمن، معانی متعددی برای «کارکرد^۲» ارائه داده است. از جمله: ۱- هدف معمول یک چیز، ۲- کار یا شغلی که به طور معمول یک شخص انجام می‌دهد، ۳- انجام یک کار به شکلی خاص، ۴- انجام یک کار به شکلی

1 - ivory tower

2 - function

صحیح (Longman, 2009, p.416). واژه نامه کاربرد علمی لانگمن نیز کارکرد را آنگونه طریقه یا روش عمل یک چیز یا بخشی از یک ارگانیسم یا یک محصول می‌داند تا به هدف خود نائل شود. همچنین در زیست شناسی، کارکرد عبارت از طریقه‌ای که یک بخش از یک ارگانیسم به فرایند ادامه حیات یا زندگی آن ارگانیسم کمک می‌کند. مثلاً هضم غذا و یا تنفس که کارکردهای بخش‌های مختلف بدن انسان هستند (Longman, 1989, p. 63 & p. 318). کارکردگرایی^۱ نیز اصطلاحی است که بیشتر در علوم اجتماعی کاربرد دارد و مربوط به نظریه‌ای است که بر وابستگی متقابل نهادهای اجتماعی تأکید دارد به طوری که تعامل و ارتباطات نهادهای مختلف با یکدیگر، موجب پایداری و ماندگاری یک واحد اجتماعی و فرهنگی می‌شود. در جامعه شناسی، اصطلاح کارکردگرایی ریشه در نظرات امیل دورکیم^۲ دارد. وی جامعه را به عنوان یک ارگانیسم^۳ می‌دید که دارای نیازهای مشخصی است که این نیازها بایستی برآورده شوند (Britannica Encyclopedia, 2006, p. 720).

امروزه، بیشتر، با توجه به نظریه سرمایه انسانی، بر بروندهای اقتصادی آموزش عالی تأکید می‌شود در حالی که بایستی بر پایه رویکرد توسعه انسانی^۴، اهداف و کارکردهای هنجاری و ارزشی آموزش عالی مثل برابری فرصت و افزایش قابلیت‌ها و توانایی‌های افراد در بهره‌گیری از فرصت‌ها در مرکز توجه قرار گیرد. سه کارکرد معمول دانشگاه یعنی آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی در واقع بیانگر کارکردهای تکنیکی دانشگاه بوده و معمولاً در برگیرنده کارکردهای هنجاری و ارزشی آموزش عالی^۵ نیست (Walker, 2008). تقریباً تمامی کارکردهای هنجاری پیش گفته، ماهیت کالای عمومی را دارا هستند. بنابر این، بایستی در سپهر دانشگاه، این سؤال که: ارزش بازاری این فعالیت چقدر است؟^۶ کنار گذاشته شده و

1 - functionalism

2 - ÉMILE DURKHEIM

3 - organism

4 - Human Development

5 - Normative functions of higher education

6 - What is the market value of this activity?

با این سؤال تعویض شود: آیا این فعالیت درست است (Foray, 2006)؟ عده ای قویا اعتقاد دارند که دانشگاه‌ها بایستی به خلق کالاهای عمومی برای برای جامعه بپردازند. دانشگاه به عنوان یک نهاد اجتماعی بایستی در توسعه دانش^۱ نقش داشته باشد و نه در تجارت دانش^۲ (Deiaco *et al.*, 2012).

لزوم توجه به آمایش مالی در دانشگاه

طبق فرهنگ عمید، آمایش به معنای آمادگی و آراستگی، و آمایدن در معنای آماده کردن و آراسته کردن به کار می‌رود. همچنین، آمایش یعنی ایجاد نظم و تعادل در یک موضوع. مثلاً آمایش سرزمین یعنی ایجاد نظم و تعادل بین سه حوزه منابع اقتصادی، منابع انسانی و پهنه سرزمین (جغرافیا). آمایش به معنای آمادگی نیز هست. بنابر این، آمایش در حوزه اقتصاد آموزش، فقط شامل مبحث توزیع منابع مالی نمی‌شود بلکه مبحث تأمین مالی را نیز دربر می‌گیرد. در این گزارش، منظور ما از آمایش مالی عبارت است از تدارک و آمادگی مالی هم در قسمت توزیع و تخصیص منابع و هم در قسمت تأمین و تدارک منابع مالی.

با توجه به شرایط رکودی و تحریمی و کرونایی که در حال حاضر کشور ما با آن دست و پنجه نرم می‌کند و درآمد عمومی دولت به شدت کاهش یافته و نیز با توجه به بافتار فرهنگی پول پرستی که در جامعه رو به گسترش است، این خطر وجود دارد که برخی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته به بخش دولتی یا بخش عمومی کشور، ضمن دور شدن از وضعیت متعادل، در موقعیتی واقع شوند که در جهت افزایش درآمدهای اختصاصی خود، با یک رویکرد افراطی، به طور کامل در خدمت نظام بازار قرار گیرند و جای دانشگاه داری را با بنگاه داری عوض کنند.

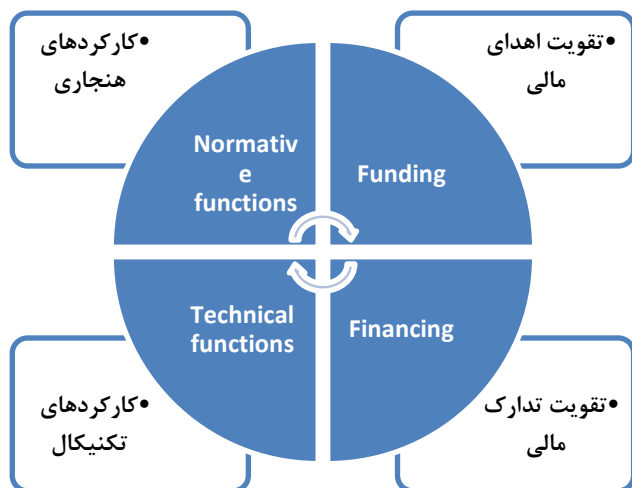
تأکید این گزارش بر این است که دانشگاه‌ها در چارچوب قواعد آمایش مالی آموزش عالی، باید اصل را بر حفظ و حتی تقویت کارکردهای هنجاری و اخلاقی خود قرار

1 - development of knowledge

2 - knowledge business

دهند و از آن عدول نکنند. چیزی که ما به آن استراتژی تأمین مالی سفید می‌گوییم، یعنی تمهید مالی و درآمدزایی بدون انحراف از مأموریت‌های اصلی و اجتماعی دانشگاه. در جذب منابع مالی برای آموزش عالی و دانشگاه، فراتر رفتن از مرز غیرانتفاعی اهمیت بسیاری دارد. ضمن اینکه در اداره سازمان‌های غیرانتفاعی، رهبری مهم‌تر از مدیریت است و رهبری دانشگاهی است که می‌تواند استراتژی‌ها و انگیزه‌بخشی‌های تصمیمات بازیگران دانشگاه را در جهت تأمین مالی سفید هدایت کند.

در عین حال، می‌توان در میدان بازی مشخصی، با استفاده از ابزارها و روش‌های تأمین مالی اجتماعی، به افزایش درآمدهای اختصاصی دانشگاه اقدام کرد چرا که تأمین مالی اجتماعی یک مخزن بکر و دست نخورده در زمین اقتصاد ایران است و هنوز جاهای خیلی زیادی وجود دارد که دانشگاه‌ها می‌توانند در آن فعالیت کنند. منظور از لزوم توجه به آمایش مالی در دانشگاه، ضرورت بازاندیشی در تأمین مالی مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌های دولتی در چارچوب کارکردهای هنجاری و تکنیکی دانشگاه و یافتن ترکیب مناسبی از امکانات در راستای تقویت اهدای مالی و تدارک مالی است (شکل ۲). هر چند در این چارچوب، بایستی به تقویت راهکار اهدای مالی (Funding) در برابر راهکار تدارک مالی (Financing) و نیز توجه به کارکردهای هنجاری (Normative functions) در برابر کارکردهای تکنیکال (Technical functions) وزن و اهمیت بیشتری داده شود.



شکل ۲ - مدل آمایش مالی آموزش عالی

نقش دولت در تأمین مالی

آموزش عالی و عدالت تخصیصی: بحران های مالی، ضرورت و چالش های ایجاد یک حکمرانی جدید را برای بخش آموزش عالی به وجود آورده است. در شرایطی که بودجه تخصیص داده شده دولتی به دانشگاه ها رو به کاهش است، موسسات آموزش عالی به سختی می توانند، بیش از قبل کارا عمل کنند. چگونه بازیگران و فعالان آموزش عالی می توانند بر این مشکلات غلبه کنند؟ پاسخ در حکمرانی خوب است (Hénard and Mitterle, 2010, p.2). حکمرانی خوب، دفاع از شأن، حیثیت و جایگاه سازمان، بخش و یا یک کشور نیز هست. این امر چگونه حاصل می شود؟ با مسئولیت پذیری مدیران و مسئولان وزارت علوم در برابر ذینفعان آموزش عالی و پیگیری خواسته های آنان. مسئولیت پذیری هم یکی از شاخص های حکمرانی خوب است.

یکی از ابعادی که وزارت علوم نتوانسته است از استحقاق خود دفاع کند در زمینه دریافت بودجه است. به عبارت دیگر، وزارت علوم نه تنها از شأنیت و اقتدار خود در زمینه اختیارات حقوقی و قانونی نتوانسته دفاع کند بلکه به هنگام تخصیص بودجه از قدرت چانه زنی بالایی برخوردار نبوده و نتوانسته مسئولان کشور را آنگونه که بایسته است نسبت به اهمیت بخش آموزش عالی مجاب سازد.

در کشورهای در حال توسعه که نهادهای علمی زیادی خارج از دانشگاه وجود ندارد، دانشگاه مهم‌ترین محور علمی و عملاً مهم‌ترین پایگاه رشد علم است. بنابراین، از این دیدگاه نمی‌توان گفت که دولت مسئولیتی در قبال آموزش عالی ندارد. کاهش توان دولت در پرداخت کمک و یارانه به دانشگاه‌ها، خود را از طریق کاهش کیفیت آموزش عالی نشان می‌دهد. کیفیت پایین آموزش و پژوهش، همچنین به کاهش کیفیت نیروی انسانی متخصص و ماهر می‌انجامد و در نتیجه اهداف برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد شد و این امر، کارکرد دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی را زیر سؤال خواهد برد، چرا که نقش اساسی دانشگاه‌ها، اتخاذ استراتژی‌های سنجیده جهت توسعه منابع انسانی متخصص و ماهر جهت رشد و توسعه کشور است.

یک بحث اساسی و بسیار مهم که کمتر به آن توجه می‌شود این است که آیا میزان منابع مالی، اعتبارات و بودجه‌ای که به بخش علوم و آموزش عالی یک کشور اختصاص یافته، نسبت به سایر بخش‌ها منصفانه و عادلانه بوده است یا نه؟ از دیدگاه علم اقتصاد مرسوم، جوامع در دو موضع می‌توانند به عدالت بیندیشند: نخست هنگام تخصیص مواهب و امکاناتشان به نیازها و امیال خود؛ و دوم هنگام توزیع پیامدها و نتایج آن تخصیص بین اعضای جامعه. فرض کنیم عوامل اصلی تولید در جامعه اعم از سرمایه، نیروی انسانی، زمین و مواد اولیه طبیعی وجود داشته باشد؛ هر جامعه‌ای مقدار محدود و معینی از این عوامل را در دست دارد. اما متقابلاً هر جامعه به مقدار بیشماری کالا و خدمت هم نیازمند است. اینکه این عوامل اولیه، برای تولید کالاها و خدمات مختلف به گونه‌ای عادلانه تخصیص یابد را

«عدالت تخصیصی^۱» نام نهاده‌اند (رنانی و باستانی فر، ۱۳۸۶). در واقع، عدالت تخصیصی به این موضوع توجه دارد که آیا منابع محدود جامعه به امور مهم و اولویت دار اختصاص می‌باید یا نه^۲.

چنانکه می‌دانیم بر مبنای سند چشم‌انداز؛ در سال ۱۴۰۴ ایران کشوری خواهد بود توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه. به عبارت دیگر، ایران برای حرکت به سوی توسعه بایستی از دو بال اقتصاد و علم بهره‌جوید. در سایر اسناد بالا دستی نیز بر ضرورت توجه به اقتصاد دانش‌تاکید شده است. بدیهی است که بخش آموزش عالی هم در پیشرفت علمی کشور و هم در پارادایم اقتصاد دانش، نقش محوری (اگر نگوییم مهم‌ترین نقش) را داراست.

در قانون تشکیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (وزارت عتف) اهدافی همچون اعتلای موقعیت آموزشی، علمی و فنی کشور؛ تأمین نیروی انسانی متخصص، توسعه منابع انسانی و ارتقاء سطح دانش و مهارت‌های فنی جامعه، به عهده این وزارتخانه گذاشته شده و بر این اساس می‌توان گفت متولی اصلی نظام علمی، پژوهشی و فناوری کشور، وزارت علوم است. البته وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، ارگان‌ها و نهادهای دیگری نیز با حوزه دانش، پژوهش و فناوری مرتبط هستند، اما بر اساس

1 - Allocative Justice

۲ - رئیس‌جمهور نیز نسبت به انتقادات از لایحه بودجه سال ۱۳۹۷ گفته بود: من از مردم می‌خواهم بودجه ۹۷ را رها نکنید و ببینید در بودجه چه خبر است. نورا فکن‌ها باید روی ردیف‌ها برود همه دستگاه‌ها باید اعلام کنند بودجه را کجا خرج کرده‌اند، ما باید در اتاق‌های شیشه‌ای و شفاف قرار بگیریم. از مردم ایران و از همه جوانان می‌خواهم این مسأله بودجه ۹۷ را رها نکنید، ادامه دهید و ببینید در بودجه چه خبر است و این نورا فکن‌ها باید در همه ردیف‌ها وارد شود. همه دستگاه‌هایی که در سال ۹۷ بودجه می‌گیرند باید به مردم اعلام شود که بودجه را کجا خرج کردند و این مسیر خوبی است که آغاز شده است. راجع به بودجه‌ها مردم صحبت می‌کنند و می‌گویند فلان دستگاه چرا باید اینقدر پول بگیرد. این حق مردم است. مردم دارند مقایسه می‌کنند، می‌گویند فلان دستگاه فرهنگی اینقدر میلیارد تومان بودجه برایش گذاشتید. اعتراض می‌کنند و می‌گویند چرا اینقدر زیاد (روحانی، ۱۳۹۶).

قانون، متولی و مسئول اولیه این امور، وزارت علوم است. حال در شرایطی که به طور دائم از اهمیت علم و دانش سخن رانده می شود، آیا مقدار و نرخ افزایش اعتبارات مالی وزارت عتف متناسب با جایگاه و اهمیت این وزارتخانه است؟ همچنین باید بررسییم که اصولاً در کشور ما ملاک اختصاص بودجه به دستگاه‌ها چیست و منابع مالی کشور با چه معیاری بین سازمان‌های مختلف، توزیع می‌شود؟ ابتدا اشاره کنیم یک ویژگی کشورهای توسعه نیافته (یا کشورهای در حال توسعه) یا کشورهای جهان سوم یا کشورهای در حال انتقال یا کشورهای عقب‌نگه داشته شده یا هر اسم دیگری که بر آنها بگذاریم) این است که در آنها همه چیز در اولویت قرار دارد، چرا که این کشورها پر از مشکلاتی از جنس آبرمسنله هستند، یعنی مسائلی که دارای ابعاد متعددی بوده و راه حل‌های ساده‌ای برای رفع آنها وجود ندارد. مثلاً مشکل آلودگی محیط زیست یا مشکل اعتیاد یا مشکل فرار مغزها که می‌تواند دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشد. یا مشکلات زندگی در کلانشهرها که همزمان ترافیک، آلودگی (تنفسی، صوتی و تصویری)، جرم، بیماری‌های روانی و موارد دیگر را در خود دارد و به راحتی نمی‌توان برای آنها راه حلی یافت. اما در نهایت و در عمل، چه چیز مشخص‌کننده میزان اولویت یک بخش نسبت به بخش دیگر، از دیدگاه مدیران رده بالای کشور است؟ پاسخ: «میزان تخصیص بودجه به آن بخش». به عبارت دیگر، فارغ از تعارفات متعارف، این میزان اختصاص بودجه به بخش‌ها، سازمان‌ها و صنوف شغلی است که اهمیت آنها را نزد مسئولان نمایان می‌کند.

واقعیت این است که بودجه وزارت علوم و سازمان‌های تابعه بسیار کمتر از استحقاق‌ها و اهمیت این وزارتخانه است. این در شرایطی است که مسئولان کشور همواره از حمایت از علم و پیشرفت علمی کشور صحبت کرده‌اند و از موفقیت‌های علمی کشور^۱ که عمدتاً توسط دانشگاه‌ها و موسسات زیر نظر وزارت عتف به دست آمده، به خود بالیده‌اند، اما متناسب با این دستاوردها بر منابع مالی دانشگاه‌های

۱ - به گفته سرپرست پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، ایران در سال ۲۰۲۰ با یک درجه ارتقا، از نظر کمی در جایگاه ۱۵ تولید علم در دنیا قرار گرفت (دهقان، ۱۳۹۹).

دولتی نیافروده‌اند. به طور مثال، بودجه کل کشور در سال ۱۳۹۸ معادل ۱۷۴۴ هزار میلیارد تومان و بودجه عمومی دولت در این سال ۵۲۰ هزار میلیارد تومان بوده است (شناسنامه قانون، ۱۴۰۰)، و در آن، بودجه مصوب وزارت علوم ۱۳۴۰۰ میلیارد تومان تعیین شد (تابناک، ۱۳۹۸). به عبارت دیگر، تنها حدود ۸ دهم درصد از بودجه کل کشور و ۲/۶ درصد از بودجه عمومی دولت به وزارت علوم و دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی و پژوهشی زیر نظر این وزارتخانه اختصاص یافت که با توجه به اهمیت دانشگاه‌ها در رشد و پیشرفت علمی کشور، نسبت بسیار ناچیزی است. این در حالی است که طی سال‌های گذشته میزان حمایت مالی از طریق منابع عمومی نه تنها بیشتر نشده بلکه کمتر هم شده است. به عنوان مثال، طبق لایحه بودجه سال ۱۳۹۴، نسبت سهم وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و موسسات تابعه از بودجه کل کشور و بودجه عمومی کشور به ترتیب ۱/۲ و ۳/۹ درصد بود (روشن، ۱۳۹۳). طرفه آنکه بودجه شهرداری تهران در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ به ترتیب حدود ۱۸ و ۲۴ هزار میلیارد تومان بوده است (رسولی، ۱۳۹۸).

با وجودی که تعداد دانشجویان به خصوص در مقطع ارشد و دکتری در دانشگاه‌ها افزایش یافته، اما امکانات علمی و شرایط رفاهی به تناسب افزایش دانشجویان رشد نکرده است. بسیاری از دانشگاه‌های بزرگ و مادر کشور، برای فرار از تنگنای مالی در سال‌های اخیر به تاسیس پردیس دانشگاهی و جذب دانشجوی پولی روی آورده‌اند، اما پردیس‌ها و دانشجویان پولی نیز تکافوی نیازهای مالی دانشگاه‌ها - به ویژه دانشگاه‌های برتر کشور - را نمی‌دهد. به عنوان نمونه رئیس دانشگاه صنعتی شریف می‌گوید: ما نمی‌توانیم به بودجه دولتی اکتفاء کنیم و این کمبود بودجه باعث شده که برخی از دانشگاه‌ها به سمت و سویی حرکت کنند که در رسالت آنها نیست (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۵).

البته، با وجود آنکه ۷۵ درصد تولید علم کشور توسط دانشگاه‌های برتر انجام می‌گیرد اما مسئولان این دانشگاه‌ها گلایه دارند که با بودجه‌های فعلی نمی‌توان شاهد شکوفایی بیشتر توانمندی‌های این مراکز در کشور بود. به گفته روسای این دانشگاه‌ها در سال

۱۳۹۶ بودجه آنها حدود ۱۰ درصد رشد داشته و این میزان رشد نمی تواند پاسخگوی نیازهای آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها باشد و تنها می توان حقوق کارمندان و اساتید را افزایش داد. این در حالی است که از دانشگاه‌ها انتظار می رود که از طریق فروش خدمات، انتقال فناوری، اجرای پژوهش های کاربردی و پذیرش دانشجوی نوبت دوم و پولی درآمدهای اختصاصی خود را افزایش دهند، اما آنچه در عمل برای بهبود وضعیت درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها اتفاق می افتد افزایش دانشجویان پولی است و با این شرایط، کارکرد پژوهشی دانشگاه‌ها لطمه می بیند (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵). در چنین شرایطی، همین بودجه پژوهشی اندک در تخصیص بین تحقیقات نظری و تحقیقات فناوریانه و کاربردی روزمره، به سوی تأمین مالی گروه دوم گرایش می یابد. این در حالی است که اصلی ترین نیاز جامعه ایران، نظریه پردازی است. فقر نظریه، ریشه توسعه نیافتگی ایران است. تا وقتی که چالش های فکری مربوط به توسعه ایران مرتفع نشود، توسعه در ایران روی نخواهد داد. اما، مهد نظریه پردازی کجاست؟ پاسخ: دانشگاه‌ها. برای کشور ما مهم ترین کارکرد دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی دولتی بایستی به « تولید نظریه » و انجام تحقیقات پایه، با هدف رفع مشکلات و موانع توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تغییر یابد. «نظریه»، هم یک کالای عمومی است. پس دانشگاه‌ها بایستی به عنوان تولیدکنندگان کالای عمومی مورد حمایت تام و دست و دل بازانه اقتصادی و قانونی قرار گرفته و آنها در اولویت تخصیص منابع قرار گیرند. وضعیتی که با آن فاصله زیادی داریم و هر روز بر وخامت اوضاع در این زمینه افزوده می شود.

حتی اقتصاددان برجسته ای چون کنت آرو^۱ معتقد است تحقیقات پایه^۲ یعنی تحقیقاتی که برونادهای آنها به شکل درونداهای اطلاعاتی برای سایر فعالیت‌های مبتکرانه و مخترعانه به کار می‌رود، احتمالاً پاداشی را که شایسته است دریافت نمی‌کنند. اغلب تحقیقات پایه، در خارج از شرکت ها و صنایع (و در واقع در

۱ - کنت آرو (Kenneth Arrow) (۲۳ اوت ۱۹۲۱ - ۲۱ فوریه ۲۰۱۷) اقتصاددان آمریکایی بود که در سال ۱۹۷۲ به همراه جان هیکس موفق به دریافت جایزه نوبل در اقتصاد شد. تا به امروز، او جوانترین فرد برای دریافت این جایزه است.

دانشگاه‌ها، موسسات دولتی و اشخاص) انجام می‌گیرد و اگر تخصیص منابع به ابتکارات را به مکانیسم بازار بسپاریم در آن صورت، تخصیص کمتر^۱ برای اینگونه تحقیقات روی می‌دهد (Arrow, 1962). بنابر این، نتایج تحقیقات دانشگاهی از بسیاری از جنبه‌ها کالای عمومی محسوب می‌شود: انتشار ژورنال، برگزاری کنفرانس و سایر شیوه‌های ارتباطاتی (Brown, 1998, p. 82). به علاوه، فعالیت‌های دانشگاهی، هم از لحاظ ماهیت و هم از لحاظ دامنه، بیشتر متمایل به حکمرانی غیرانتفاعی است تا حکمرانی انتفاعی. مثلاً در عین حالی که انتشار دانش پایه و کشفیات پایه ارزشمند است اما چون تحقیقات پایه، در حوزه حمایتی حقوق مالکیت قرار نمی‌گیرد، لذا بنگاه‌های انتفاعی از انجام این نوع تحقیقات استقبال کمتری می‌کنند و در عوض، ترویج و توسعه دانش پایه عموماً توسط موسسات غیرانتفاعی صورت می‌گیرد. البته دانشگاه‌ها به خاطر نقش و جایگاهشان به عنوان مخازن فرهنگی و نیز وسیله‌ای برای تحقق اهداف اجتماعی و بشردوستانه کمک‌های متعددی از منابع عمومی و خصوصی دریافت می‌کنند. ولی بی‌شک، تمایل افراد و شرکت‌های انتفاعی برای مشارکت در چنین اموری کمتر است مگر اینکه ملزومات قانونی، آنها را وادار کند تا در این جهات گام بردارند (Masten, 1995).

در همین ارتباط، محمد آسلاّم حنیف^۲، در مطالعه‌ای که در مورد تحقیقات مربوط به مفهوم اقتصاد اسلامی انجام داده، ریشه پیشرفت‌های اندک در این زمینه در کشورهای اسلامی را کاهش حمایت از پژوهش‌های پایه و حمایت از تحقیقات کاربردی می‌داند. وی با طرح این سؤال که آیا تحقیقات تنوریکی، اهمیت دارد؟ اگر آری، چه کسی باید آن را تأمین مالی کند؟ و چه کسی باید آن را هدایت و اداره نماید؟ پاسخ می‌دهد همه ساله و به طور روزافزونی، تأمین مالی و بودجه پژوهش، برای رشته‌های غیر مهندسی و غیر علوم پایه، ناسودآور قلمداد می‌شود.

1 - underallocation

2 - Haneef, Mohamed Aslam

این در شرایطی است که تأمین کننده مالی اصلی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، دولت است. یک درس احتمالی از این وضعیت این است که تأمین مالی دولتی مبتنی بر اقتصاد بازار آزاد ممکن است بهترین راه تأمین مالی پژوهش به ویژه برای کشورهای اسلامی نباشد (Haneef, 2009).

به اعتقاد حنیف، در شرایطی که همه ابعاد اقتصادهای اسلامی نیاز به توسعه دارند اما اقتصادهای اسلامی، درس‌های درستی از تاریخ اقتصادی خود و نیز تاریخ اقتصادی غرب نیاموخته‌اند. اگر نگاهی به تاریخ اندیشه اقتصادهای غربی بیندازیم به روشنی در می‌یابیم که طی قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی، بسیاری از تحقیقات و کوشش‌های فکری، صرف توسعه مباحث مربوط به بنیان‌های فکری اقتصادهای مدرن شده است. تاریخ افکار، فلسفه، روش‌شناسی و مباحث مربوط به مفاهیم بنیادی، بهترین ذهن‌های آن دوران را به خود مشغول داشت. همه «سازندگان» اقتصادهای مدرن در آن روزگار، وقت و نوشته‌های خود را به چنین موضوعات اساسی اختصاص می‌دادند. در عصر حاضر نیز استادان، پژوهشگران و اقتصاددانان در حوزه‌هایی کار می‌کنند و دیسیپلین‌های فکری‌یی را توسعه می‌دهند که متفکران گذشته، آن را بنیان گذاشته‌اند.

این در حالی است که طی دهه‌های گذشته اشتیاق کشورهای اسلامی برای پرداختن به مفاهیم بنیادی در تحقیقات کاهش یافته و به سوی یک حرکت قهقرایی یعنی حوزه‌های کاربردی [در علوم پایه، مهندسی و تکنولوژی] تغییر مکان داده‌اند تا به شکل «متظاهرانه‌ای» به راه‌حلهایی برای مسائل جاری و درجه دو، دست یابند. در این کشورها تحقیقاتی دنبال می‌شود که خالی از مفاهیم اساسی است و تنها تحقیقات کاربردی عینی [کوتاه مدت و جاری] دارای کارفرمای تجاری و کاربر پسند^۱ هستند. گرچه اهمیت اینگونه تحقیقات قابل انکار نیست، اما بایستی بیشتر، تحقیقات شالوده‌ای و بنیادی مورد توجه و حمایت قرار گیرد. در غرب، در گذشته، پایه‌های محکم و قوی از تحقیقات مفهومی انجام گرفته است که آنها امروز با اطمینان می‌توانند به تحقیقات کاربردی بپردازند. در حالی که در مورد

کشورهای اسلامی، بدون اینکه به قدر کافی به مفاهیم پایه‌ای پرداخته شده باشد، به سراغ تحقیقات کاربردی رفته‌اند.

تحقیقات اساسی و مفهومی، شایسته این است که در اولویت قرار گیرند. چرا که اینگونه تحقیقات، به طور بالقوه می‌توانند در آینده به تحقیقات بیشتری منجر شوند. این حوزه از تحقیقات، منجر به، به وجود آمدن محققان جدید و افزایش همکاری‌های تحقیقاتی در حوزه‌های بین رشته‌ای می‌شود. ذی‌نفع یا عامل اصلی در تحقیقات مربوط به اقتصاد اسلامی، دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی است. ضمن اینکه آنها بایستی به لحاظ مدیریتی، مستقل باشند تا بتوانند مسئولیت‌پذیرتر، انتظاراتی که از آنها می‌رود را برآورده سازند. باید تحقیقات پایه‌ای و اساسی اولویت قرار گیرد، صنعت برای بقای خود باید اهمیت و ضرورت تحقیقات آکادمیک و دانشگاهی را دریابد. صنعت، به مقدار لازم قادر به تأمین مالی تحقیقات مربوط به خود، هست. اما بخش‌های دیگر در این زمینه با محدودیت مواجهند(همان).

نتیجه اینکه در بودجه بندی کشور، بین بخش‌ها و وزارتخانه‌های مختلف، عدالت تخصیصی رعایت نشده و این رویکرد باعث می‌شود تا وزارت عتف، در تحقق مسئولیت‌های سنگین خود با مشکلات عدیده‌ای مواجه گردد. این در شرایطی است که هم اکنون، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور، حتی برای حفظ وضع موجود، با کسری بودجه مواجهند. حال آنکه تحت مقتضیات جدید جهانی و گسترش پارادایم‌هایی مثل یادگیری در همه دوران زندگی، جامعه دانش بنیان و جامعه یادگیرنده؛ این مؤسسات به شدت نیازمند تأمین مالی برای ارتقاء کیفیت خود هستند. البته، موضوع کارایی داخلی دانشگاه‌ها و استفاده بهینه از منابع و اینکه دانشگاه‌ها می‌توانند با مکانیزم‌هایی، ائتلاف منابع کمتر و تخصیص درونی بهتری داشته باشند، در جای خود می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

به‌طور کلی، در ایران، دولت، نقش بایسته خود در آموزش عالی را به عهده نگرفته و غالب هزینه‌های تحصیل در این مقطع از طریق دوره‌های شهریه‌ای توسط خود مردم پرداخت می‌شود. این در حالی است که در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای

پیشرفته، دولت نقش اصلی را در تأمین هزینه های آموزش عالی دارد. بررسی شاخص سهم بخش دولتی و بخش خصوصی در تأمین هزینه های آموزش عالی به نسبت تولید ناخالص داخلی گواهی بر این مدعاست.

به طور معمول، در ادبیات اقتصاد آموزش عالی، سه شاخص عمده برای بررسی وضعیت خصوصی سازی آموزش عالی یک کشور و سهم دولت در تأمین هزینه های این بخش، مورد توجه قرار می گیرند. این شاخص ها عبارتند از: ۱- شاخص نسبت **تعداد مؤسسات آموزش عالی دولتی** به کل مؤسسات آموزش عالی، ۲- شاخص نسبت **تعداد دانشجویان مؤسسات آموزش عالی دولتی** به کل دانشجویان، و ۳- شاخص سهم بخش دولتی در تأمین هزینه های آموزش عالی به نسبت تولید ناخالص داخلی^۱.

اما این شاخص ها، آیینه تمام نمای مسئولیت پذیری دولت در تأمین منابع بخش آموزش عالی به عنوان یک کالای عمومی را انعکاس نمی دهد. مثلاً در مورد شاخص نسبت تعداد دانشجویان مؤسسات دولتی به کل دانشجویان، فرض کنید در یک کشور ۷۰ درصد تعداد دانشجویان در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی مشغول به تحصیل اند. آیا از این شاخص، می توان نتیجه گرفت که دولت آن کشور به خوبی وظایف و مسئولیت های خود را در قبال بخش آموزش عالی انجام داده است؟ پاسخ منفی است، چرا که ممکن است بسیاری از دانشجویانی که در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی هستند، مجبور باشند برای تحصیل خود شهریه پرداخت کنند و هزینه های آموزشی را بپردازند. بنابر این، به یک شاخص تکمیلی نیاز داریم تا تصویر دقیق تری از مسئولیت پذیری دولت به دست آوریم. این شاخص که بعدها مورد استفاده مسئولان آموزش عالی کشور نیز قرار گرفت، توسط نگارنده این سطور در تحقیقی به نام «راهکارهای تحقیق اصل ۴۴

۱ - البته، شاخص نسبت هزینه سرانه دانشجو به درآمد سرانه یک کشور (Total expenditure per student as a % of GDP per capita)، یک شاخص کلی است که میزان مخارج و هزینه هایی که یک کشور به طور کلی (اعم از بخش خصوصی و بخش دولتی) برای آموزش عالی صرف می کند را نشان می دهد و عموماً، نشانگر میزان اهمیتی است که یک جامعه برای آموزش عالی خود قائل است.

قانون اساسی در بخش آموزش عالی» برای اولین بار در کشور، معرفی شد و آن، تقسیم دانشجویان کشور به شهریه پرداز و غیرشهریه پرداز بود که تعداد دانشجویان شهریه‌ای و یا دانشجویان رایگان را صرفنظر از محل تحصیل دولتی یا غیردولتی، از هم تفکیک می‌کرد (روشن، ۱۳۸۷). طبق محاسبات انجام گرفته، در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ معادل ۸۸ درصد دانشجویان، شهریه پرداز و تنها ۱۲ درصد در دوره‌های روزانه رایگان مشغول به تحصیل بودند. این نسبت در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ به ترتیب برابر با ۸۴ و ۱۶ درصد شد. البته کاهش نسبت دانشجویان شهریه پرداز، طی این دو دوره، الزاماً به معنای افزایش تعداد دانشجویان دوره‌های رایگان دولتی نیست، بلکه این می‌تواند به خاطر کاهش تقاضا و کاهش تعداد دانشجویان شهریه پرداز باشد.

البته، در ایران، گسترش دوره‌های شهریه‌ای تحت لوای خصوصی سازی آموزش عالی و با هدف گسترش آموزش عالی، صورت گرفت. هر چند، آسیب شناسی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران مجال بیشتری می‌طلبد، اما به طور کلی روند خصوصی سازی آموزش عالی کشور را می‌توان چنین خلاصه کرد: بدون حضور بخش خصوصی واقعی در کنار نقش گسترده بخش دولتی و شبه دولتی در آن، بدون رقابت، بدون چارچوب‌های نظارت و ارزیابی کیفیت، بدون حضور موسسات خارجی، بدون حمایت‌های مالی و قانونی از بخش خصوصی واقعی و بدون مبنای نظری مشخص (روشن، ۱۳۸۸).

تولید و ارائه خدمات آموزشی توسط واحدهای آموزشی، مستلزم به کارگیری نهاده‌ها و عوامل مشخصی در یک فرایند یاددهی - یادگیری است، که این خود مستلزم صرف هزینه‌های مقتضی و تأمین منابع مالی مورد نیاز است (نادری، ۱۳۸۳، ص: ۱۹۵). همچنین، طبق مطالعه لیگاتنه، شاخص درصد تأمین مالی دولتی آموزش عالی به تولید ناخالص داخلی یکی از شاخص‌های حکمرانی آموزش عالی است (Ligatne, 2013).

داده‌های جدول ۲، هزینه‌های صورت گرفته برای بخش آموزش عالی به تفکیک

دولتی و خصوصی را در مهم ترین کشورهای عضو *OECD* نشان می دهد. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ یک سازمان اقتصادی بین‌المللی است که اغلب اعضای آن را کشورهای ثروتمند جهان و دارای اقتصادهای نیرومند تشکیل می‌دهند. چنان که هویداست، در بین ۲۵ کشور مورد بررسی، روند اصلی، تفوق بخش دولتی در پرداخت هزینه های آموزش عالی است به طوری که درصد هزینه های صرف شده برای آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی یا GDP به طور متوسط ۱/۱ درصد برای دولت و ۰/۵ درصد برای بخش خصوصی است (OECD, 2014). به عبارت دیگر، تأمین مالی دولت برای آموزش عالی بیش از دو برابر مبلغی است که بخش خصوصی هزینه می کند. در ۲۱ کشور از ۲۵ کشور این جدول، سهم بخش دولتی در تأمین هزینه های آموزش عالی بیش از بخش خصوصی است و تنها در چهار کشور استرالیا، ژاپن، کره جنوبی و آمریکا است که بخش خصوصی، وجه غالب را دارد. ضمن اینکه در کشورهای اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایتالیا، نروژ و سوئد سهم هزینه های آموزش عالی با منشاء بخش خصوصی، بسیار اندک و قابل صرف نظر کردن است. بنابر موضوعات مطرح شده در این مبحث، توصیه سیاستی برای برنامه هفتم این است که استراتژی تأمین مالی آموزش عالی در کشور ما بایستی تغییر کند به طوری که دولت با بر عهده گرفتن مسئولیت بیشتر در تأمین مالی آموزش عالی، رشد دوره های شهریه ای پذیرش دانشجو (به جز در موسسات آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی) را متوقف کرده و با تمرکز بر ارتقاء کیفیت از طریق حکمرانی خوب، نقش استراتژیک آموزش عالی به عنوان موتور حرکت به سوی توسعه و بهکامی ملت ایران را بپذیرد.

جدول ۲ - درصد هزینه های صرف شده برای آموزش عالی از GDP به تفکیک منبع

دولتی - خصوصی، در برخی کشورهای OECD

نام کشور	کل هزینه های صرف شده برای آموزش عالی	هزینه های دولتی صرف شده برای آموزش عالی	هزینه های بخش خصوصی صرف شده برای آموزش عالی
استرالیا	۱/۶	۰/۷	۰/۹
اتریش	۱/۵	۱/۴	۰/۱
بلژیک	۱/۴	۱/۳	۰/۱
کانادا	۲/۸	۱/۶	۱/۲
جمهوری چک	۱/۴	۱/۲	۰/۳
دانمارک	۱/۹	۱/۸	۰/۱
فنلاند	۱/۹	۱/۹	۰/۱
فرانسه	۱/۵	۱/۳	۰/۲
آلمان	۱/۳	۱/۱	۰/۲
ایرلند	۱/۵	۱/۲	۰/۳
اسرائیل	۱/۷	۰/۹	۰/۸
ایتالیا	۱/۰	۰/۸	۰/۲
ژاپن	۱/۶	۰/۵	۱/۰
کره جنوبی	۲/۶	۰/۷	۱/۹
مکزیک	۱/۳	۰/۹	۰/۴
هلند	۱/۸	۱/۳	۰/۵
نیوزیلند	۱/۵	۱/۰	۰/۵
نروژ	۱/۷	۱/۶	۰/۱
لهستان	۱/۳	۱/۰	۰/۳
پرتغال	۱/۴	۱/۰	۰/۴
اسپانیا	۱/۳	۱/۰	۰/۳
سوئد	۱/۷	۱/۶	۰/۲
سوئیس	-	۱/۳	-
بریتانیا	۱/۲	۰/۹	۰/۳
آمریکا	۲/۷	۰/۹	۱/۸
متوسط کشورهای عضو OECD	۱/۶	۱/۱	۰/۵

منبع: (OECD, 2014)

منابع درآمدی برخی کشورها و دانشگاه‌های جهان

به طور کلی می توان مَمَرهای درآمدی و منابع تأمین مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مرسوم در دنیا را حداقل به ۱۱ گروه زیر تقسیم بندی کرد:

- ۱- منابع مالی و کمک های بلاعوض دولتی و عمومی
- ۲- درآمدهای ناشی از شهریه و ارائه خدمات آموزشی (به متقاضیان داخلی)
- ۳- درآمدهای ارزی ناشی از شهریه و ارائه خدمات آموزشی (به متقاضیان خارج از کشور و دانشجویان بین‌المللی)
- ۴- درآمدهای تحقیقاتی و ارائه خدمات پژوهشی و مشاوره علمی
- ۵- درآمدهای ناشی از موقوفات
- ۶- کمک های مالی بلاعوض فارغ التحصیلان دانشگاه
- ۷- درآمد ناشی از سرمایه گذاری
- ۸- کمک های مالی بلاعوض افراد خیر و نیکوکار
- ۹- کمک های مالی بلاعوض سازمان ها و شرکت ها
- ۱۰- کمک های مالی بلاعوض نهادهای بین المللی
- ۱۱- سایر منابع درآمدی (مثل اجاره اماکن دانشگاهی، درآمدهای انتشاراتی و ...)

بررسی تأمین مالی آموزش عالی در برخی کشورها:

انگلستان: انگلستان فهرستی بلندبالا از بهترین دانشگاه‌های جهان را در خود جای داده است. براساس رتبه‌بندی ها از میان ۱۰۰ دانشگاه برتر دنیا، ۱۰ دانشگاه در انگلستان واقع هستند. با نگاهی به نمودار تامین منابع مالی این کشور متوجه می‌شویم که کمک‌های بلاعوض انواع شوراهای دولتی ناظر بر آموزش عالی این کشور، بیشترین سهم را در تامین منابع مالی دانشگاه‌های انگلستان دارد. کمک‌های

۱ - معانی واژه مَمَر در لغت نامه دهخدا:

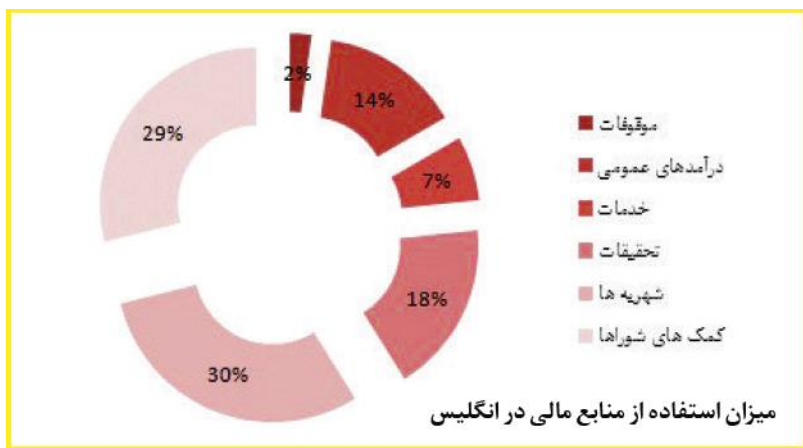
طریق و راه و محل تحصیل درآمد، مثال: مبلغی کلی از این ممر به حصول پیوست.

ممر روزی: محل ارتزاق.

ممر معاش: جایی که از آن، وجه زندگی به دست آید، محل گذران.

سایر معانی: گذار، راه، معبر، پُل، جای عبور و گذرگاه، مثال: تو چراغی نهاده در ره باد، خانه ای در ممر سیلابی.

بلاعوض شوراها خود شامل کمک‌های مرتبط با تحقیقات، آموزش و دیگر کمک‌ها است. کمک‌های مربوط به تحقیقات نیز شامل کمک‌های دریافتی توسط منابع دولتی برای تحقیقات و همچنین قراردادهای و پروژه‌هایی است که توسط دانشگاه با بخش دولتی و خصوصی منعقد می‌شود (فرهیختگان، ۱۳۹۷).

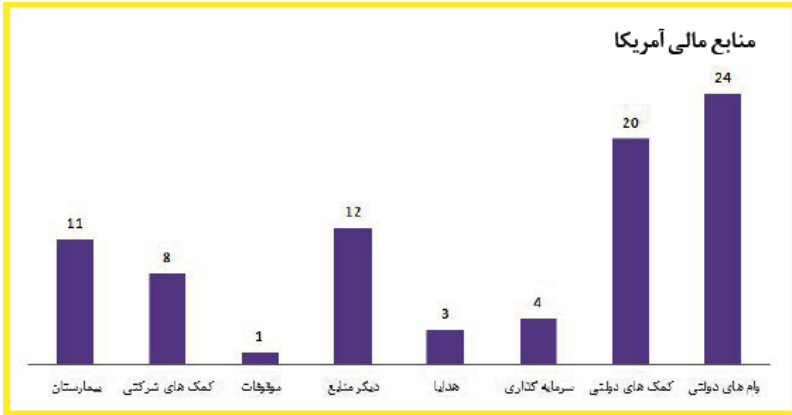


آمریکا

آمریکا یکی از پردانشگاه‌ترین کشورهای جهان و دارای معتبرترین نظام آموزش عالی دنیا است. ایالات متحده آمریکا پنج هزار و ۷۰۰ موسسه آموزش عالی دارد که تقریباً به ۲۲ میلیون نفر خدمات ارائه می‌دهند. دانشگاه‌های آمریکا یک مقصد پیشرو در جهان برای دانشجویان بین‌المللی است. دانشگاه‌های آمریکا در صدر باکیفیت‌ترین دانشگاه‌های دنیا قرار دارند و رتبه‌بندی‌های برترین دانشگاه‌های دنیا به طور معمول، از ۱۰ دانشگاه اول، هفت دانشگاه برتر دنیا و در ۱۰۰ دانشگاه برتر بیش از ۵۰ درصد آمریکایی هستند.

اما با نگاهی به منابع درآمدی دانشگاه‌های آمریکا می‌بینیم که حتی در این کشور که به یک کشور دارای دانشگاه‌های خصوصی و به لحاظ مالی، مستقل از دولت

محسوب می شوند، و باز هم در سطح کلان و در کلیت نظام آموزش عالی این کشور، بیشترین منبع مورد استفاده آنها همان بودجه دولتی است.

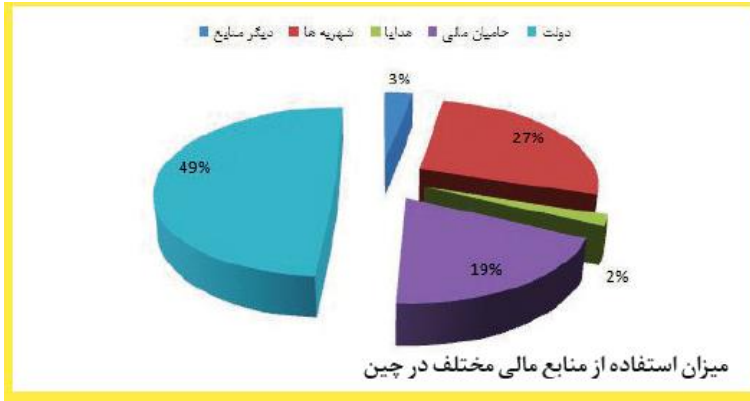


چین

شاید بتوان چین را یکی از قدیمی ترین صاحبان نظام آموزشی در جهان دانست؛ آموزشی که در سال های اخیر تغییر شگرفی داشته است تا جایی که از سال ۱۹۵۰ به بعد، شاهد افزایش دانشجویان آن بوده ایم. یکی از سیاست هایی که چین با جدیت دنبال کرد، افزایش تعداد دانشجویان خارجی بود. دانشگاه های چینی هرچند روی خوشی به دانشجویان ایرانی نشان نمی دهند، اما سالانه حدود ۵۰۰ هزار دانشجوی خارجی به چین می آیند و در این زمینه یعنی جذب دانشجوی خارجی، چین رتبه سوم جهان را در اختیار دارد (همان).

انواع منابع درآمدی دانشگاه ها در کشور چین به صورت زیر است:

- ۱- کمک های بلاعوض دولتی
- ۲- حمایت مالی محلی
- ۳- شهریه
- ۴- هدایا
- ۵- سایر منابع



۲۰ دانشگاه ثروتمند آمریکای شمالی

در این قسمت برای آگاهی از وضعیت مالی برخی از معتبرترین دانشگاه‌های دنیا، به شکلی موجز، ثروتمندترین و پردرآمدترین دانشگاه‌های آمریکای شمالی که به نوعی ثروتمندترین و پردرآمدترین دانشگاه‌های جهان نیز هستند، به تفکیک میزان و ارزش دارایی‌ها، موقوفات و کمک‌های مردمی، میزان شهریه سالانه دانشجویی در مقطع لیسانس، متوسط حقوق سالانه هیئت علمی و بودجه تحقیقاتی سالانه (Barham, 2021)، معرفی می‌شوند (جدول ۳). برای مقایسه با ایران، مثلاً دانشگاه‌ها را در نظر بگیرید. بودجه تحقیقاتی که در سال ۲۰۱۹ در این دانشگاه هزینه شد یک میلیارد و ۱۲۳ میلیون و ۱۶۰ هزار دلار بود که مبلغی بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان می‌شود. این مبلغ که فقط مربوط به یک دانشگاه محسوب می‌گردد، بیش از دو برابر بودجه وزارت علوم در سال ۱۳۹۸ است. یا اینکه متوسط دریافتی یک عضو هیئت علمی با مرتبه استاد تمام در این دانشگاه در سال ۲۰۱۹ معادل ۲۲۶,۳۹۴ دلار بوده است که با تبدیل به واحد پولی ایران، مبلغ باور نکردنی ۶ میلیارد و ۱۱۳ میلیون تومان می‌شود یا ماهانه حدود ۵۰۹ میلیون تومان.

جدول ۳-۱ - برخی شاخص های مالی بیست دانشگاه ثروتمند آمریکای شمالی (ارقام به دلار)

نام دانشگاه	ارزش دارایی ها، موقوفات و کمک های مردمی	میزان شهریه متوسط سالانه در مقطع کارشناسی	متوسط حقوق سالانه عضو هیئت علمی با مرتبه استاد تمام	بودجه تحقیقاتی سالانه
دانشگاه هاروارد - آمریکا (Harvard University) ایالت ماساچوست	۳۸,۳۰۳,۳۸۳,۰۰۰	۵۰,۴۲۰	۲۲۶,۳۹۴	۱,۱۲۳,۱۶۰,۰۰۰
دانشگاه تگزاس - آمریکا (The University of Texas System) ایالت تگزاس	۳۰,۸۸۶,۰۱۸,۰۰۰	۳۷,۵۸۰	۱۵۶,۵۰۵	۶۵۲,۱۸۷,۰۰۰
دانشگاه ییل - آمریکا (Yale University) ایالت کانکتیکت	۲۹,۳۵۱,۱۰۰,۰۰۰	۵۳,۴۳۰	۲۱۴,۵۷۵	۹۵۱,۰۸۴,۰۰۰
دانشگاه استنفورد - آمریکا (Stanford University) ایالت کالیفرنیا	۲۶,۴۶۴,۹۱۲,۰۰۰	۵۱,۵۳۴	۲۴۴,۵۳۰	۱,۱۰۹,۷۰۸,۰۰۰
دانشگاه پرینستون - آمریکا (Princeton University) ایالت نیوجرسی	۲۵,۹۱۷,۱۹۹,۰۰۰	۵۰,۳۴۰	۲۱۳,۷۶۹	۳۲۶,۲۰۷,۰۰۰
موسسه فناوری ماساچوست - آمریکا (Massachusetts Institute of Technology) ایالت ماساچوست	۱۶,۵۲۹,۴۳۲,۰۰۰	۵۱,۸۳۲	۲۲۲,۸۱۹	۹۵۲,۰۱۷,۰۰۰

نام دانشگاه	ارزش دارایی‌ها، موقوفات و کمک‌های مردمی	میزان شهریه متوسط سالانه در مقطع کارشناسی	متوسط حقوق سالانه عضو هیئت علمی با مرتبه استاد تمام	بودجه تحقیقاتی سالانه
دانشگاه پنسیلوانیا-آمریکا (University of Pennsylvania) ایالت پنسیلوانیا	۱۳,۷۷۷,۴۴۱,۰۰۰	۵۵,۸۵۴	۲۱۷,۴۱۱	۱,۳۷۴,۲۹۳,۰۰۰
دانشگاه تگزاس M&A - آمریکا (M & Texas A) University (System) ایالت تگزاس	۱۳,۵۲۴,۹۴۷,۰۰۰	۳۷,۴۹۵	۱۴۲,۶۷۷	۹۰۵,۴۷۴,۰۰۰
دانشگاه میشیگان-آمریکا (University of Michigan) ایالت میشیگان	۱۱,۹۰۱,۷۶۰,۰۰۰	۴۹,۳۵۰	۱۶۹,۶۸۶	۱,۵۳۰,۱۳۹,۰۰۰
دانشگاه نورث وسترن-آمریکا (Northwestern University) ایالت ایلینویز	۱۱,۰۸۷,۶۵۹,۰۰۰	۵۴,۵۶۸	۲۰۸,۷۶۶	۷۵۱,۸۰۹,۰۰۰
دانشگاه کالیفرنیا-آمریکا (University of California) ایالت کالیفرنیا	۱۱,۰۰۸,۰۳۵,۰۰۰	^۱ *۳۸,۲۳۸	*۱۷۳,۴۴۴	*۱,۱۲۶,۶۲۰,۰۰۰
دانشگاه کلمبیا-آمریکا	۱۰,۸۶۹,۲۴۵,۰۰۰	۵۹,۴۳۰	۲۲۳,۴۲۷	۸۹۳,۰۶۲,۰۰۰

۱. اعدادی که برای دانشگاه کالیفرنیا با ستاره مشخص شده‌اند برآورد است.

نام دانشگاه	ارزش دارایی‌ها، موقوفات و کمک‌های مردمی	میزان شهریه متوسط سالانه در مقطع کارشناسی	متوسط حقوق سالانه عضو هیئت علمی با مرتبه استاد تمام	بودجه تحقیقاتی سالانه
Northwestern) ایالت (University نیویورک				
دانشگاه نوتردام- آمریکا (University of) (Notre Dame ایالت ایندیا	۱۰,۷۲۷,۶۵۳,۰۰۰	۵۳,۳۹۱	۱۸۰,۸۹۶	۲۱۲,۸۲۳,۰۰۰
دانشگاه دوک- آمریکا (Duke (University ایالت کارولینای شمالی	۸,۵۲۴,۸۴۶,۰۰۰	۵۵,۶۹۵	۱۹۴,۵۳۱	۱,۱۲۶,۹۲۴,۰۰۰
دانشگاه شیکاگو- آمریکا (University of) (Chicago ایالت ایلینویز	۷,۹۲۸,۴۸۵,۰۰۰	۵۸,۲۳۰	۲۳۹,۷۸۷	۴۳۳,۳۲۸,۰۰۰
دانشگاه واشنگتن- آمریکا (Washington) (University ایالت میسوری	۷,۵۹۴,۱۵۹,۰۰۰	۵۳,۳۹۹	۱۹۵,۸۸۷	۷۵۴,۴۶۲,۰۰۰
دانشگاه اموری- آمریکا (Emory (University ایالت جورجیا	۷,۲۹۲,۱۶۵,۰۰۰	۵۱,۳۰۶	۱۷۳,۱۵۵	۶۶۴,۸۸۸,۰۰۰
دانشگاه کورنل - آمریکا (Cornell (University ایالت نیویورک	۷,۲۳۰,۲۹۱,۰۰۰	۵۵,۱۸۸	۱۷۵,۶۸۲	۹۸۴,۴۷۸,۰۰۰
دانشگاه وبرجینیا -آمریکا	۶,۹۵۳,۳۸۰,۰۰۰	۴۹,۰۳۲	۱۷۰,۷۱۵	۴۶۹,۳۸۲,۰۰۰

نام دانشگاه	ارزش دارایی‌ها، موقوفات و کمک‌های مردمی	میزان شهریه متوسط سالانه در مقطع کارشناسی	متوسط حقوق سالانه عضو هیئت علمی با مرتبه استاد تمام	بودجه تحقیقاتی سالانه
University of (Virginia) ایالت ویرجینیا				
دانشگاه رایس - آمریکا (Rice University) ایالت تکزاس	۶,۲۷۷,۵۰۶,۰۰۰	۴۷,۳۵۰	۱۹۲,۷۱۲	۱۶۷,۲۷۷,۰۰۰

منبع: (Barham, 2021).

نتیجه گیری

کمبود منابع مالی، محدودیت‌هایی را در زمینه پاسخگویی به انتظارات از آموزش عالی به ویژه در زمینه کیفیت آموزش عالی به وجود آورده است. به همین دلیل اعتبار و ثبات دانشگاه‌ها در بسیاری از کشورها زیر سوال رفته است. هم‌اکنون بیشترین چالش‌هایی که دانشگاه‌ها با آن مواجهند در قالب سوالات زیر مطرح می‌شود: دانشگاه‌ها چگونه منابع مالی خود را افزایش دهند؟ چگونه منابع مالی خود را متنوع سازند؟ چگونه تخصیص بهینه منابع به شکل بهینه در داخل دانشگاه شکل بگیرد و مدیریت شود؟ و بالاخره اینکه چگونه دانشگاه‌ها با وجود این مشکلات از پس مسوولیت‌های اجتماعی خود برآیند و استقلال سازمانی خود را حفظ کنند؟ (روشن، ۱۳۹۱).

هر شرکت و یا سازمانی نیازمند منابع مالی و سرمایه برای اداره خود است و ادامه کار آن شرکت و یا سازمان بدون تزریق پول به امور مختلف، ممکن نیست. در عین حال، هر شرکت و یا سازمانی که دارای دیدی بلندمدت است راه‌های گوناگونی را برای جذب پول و در نتیجه حفظ سازمان دنبال می‌کند. تمهید مالی برای اطمینان از پایداری پروژه‌های خاص و یا پابرجا ماندن کلیت یک سازمان، بسیار مهم است.

در این گزارش، ضمن تأکید بر لزوم تفکیک مفهومی بین اهدای مالی (Funding) و

تدارک مالی (Financing)، امکان کاربرد تأمین مالی اجتماعی (Crowd funding) در بخش آموزش عالی و در دانشگاه‌ها بررسی شد. تفکیک بین اهدای مالی (Funding) و تدارک مالی (Financing) به سیاستگذاران آموزش عالی کمک می‌کند تا مسیرهای نظری و عملی تمهید مالی آموزش عالی را با دقت و شفافیت بیشتری ترسیم کنند و با حفظ هویت و شأنیت علم و رعایت منافع بلندمدت دانشگاه، به تدوین استراتژی‌های مالی این بخش بپردازند. تأمین مالی اجتماعی (Crowd funding) نیز روشی است که می‌توان از طریق آن کاری کرد تا همه مردم به مسئله کمبودهای مالی دانشگاه‌ها و آموزش عالی فکر کنند.

به طور معمول گفته می‌شود مهم‌ترین روش‌های تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها عبارتند از: منابع و کمک‌های دولتی، شهریه دانشجویی، فروش خدمات آموزشی، فروش خدمات پژوهشی و کمک‌های خارجی بین‌المللی. ولی در مطالعه حاضر، تمهید مالی از زاویه اهدای مالی، تدارک مالی و تأمین مالی اجتماعی بررسی شد. طبقه بندی اول در حوزه درآمد قرار دارد و طبقه بندی دوم در حوزه تمهید مالی جای می‌گیرد. درآمد^۱ نیز متفاوت از تمهید مالی^۲ است.

به طور کلی، دانشگاه‌ها باید بیشتر به Funding توجه داشته باشند تا اینکه بخواهند به Financing فکر کنند، هر چند که این دو مفهوم، مکمل یکدیگر هستند. همچنین در حوزه Funding، دانشگاه‌ها باید بیشتر به Crowd funding توجه کنند. در مردمی‌سازی تأمین مالی، اهدای مالی یا Funding بیشتر مد نظر قرار می‌گیرد و نه تأمین مالی یا Financing. بنابر این توجه به تفاوت بین این دو مفهوم اهمیت اساسی دارد. متأسفانه این تفاوت در بسیاری از متون فارسی و در برخی از متون انگلیسی راجع به تأمین مالی نادیده گرفته شده است.

باور و نگرش اصلی تأمین مالی اجتماعی این است که حمایت‌های اندک و در عین حال، گسترده مردم می‌تواند تفاوت‌ها و تغییرات بزرگی ایجاد کند. یک امیدواری نسبت به تأمین مالی اجتماعی این است که این روش از پتانسیل‌های استفاده

1 - Revenue

۲ - تمهید مالی شامل اهدای مالی (Funding) و تدارک مالی (Financing) می‌شود. تأمین مالی اجتماعی (Crowd funding) نیز زیرمجموعه‌ای از اهدای مالی است.

نشده زیادی برخوردار است. در حالی که تأمین مالی اجتماعی هنوز تا حد زیادی پدیده‌ای است که بیشتر در کشورهای توسعه یافته جهان جریان دارد، اما با حمایت دولت‌ها و سازمان‌های مدنی می‌تواند به ابزاری مفید در جهان در حال توسعه نیز تبدیل شود. مخازن قابل توجهی از استعدادهای انسانی در این کشورها وجود دارد که به کمک تأمین مالی اجتماعی می‌تواند شکوفا شود به ویژه این روش می‌تواند نقش مهمی در اکوسیستم تأمین مالی علم و دانشگاه داشته باشد.

در این گزارش، مهم‌ترین راه و روش‌های تأمین مالی دانشگاه در چارچوب مدل آمایش مالی آموزش عالی معرفی شد اما احتمالاً مدل‌های دیگری نیز وجود دارد که سایر محققان به آن پرداخته‌اند. گرچه به طور مطلق نمی‌توان از یک مدل ایده آل و مطلوب برای تأمین مالی دانشگاه‌ها سخن گفت، اما عموماً استفاده از چند روش جذب بودجه و چندین منبع متنوع برای دستیابی به پایداری درآمدی، توصیه می‌شود. همچنین توصیه می‌شود سازمان‌های غیرانتفاعی به طور اعم و دانشگاه‌ها به طور اخص هرگز بیش از ۳۰ درصد بودجه خود را از یک منبع واحد دریافت نکنند. چرا که اگر یک سازمان به فرض به هر دلیل، ۳۰ درصد از درآمد خود را از دست بدهد، برای زنده ماندن احتمالاً می‌تواند ساختار خود را تغییر داده و بقیه منابع درآمدی را جایگزین منبع از دست رفته نماید. البته به دلیل اینکه در دانشگاه‌های دولتی ایران اتکای اصلی به بودجه عمومی است، لذا سهم ۳۰ درصد برای سایر منابع تأمین مالی قابل اعمال است و نه برای بودجه دولتی.

برای حل چالش‌های درآمدی دانشگاه‌ها، خلاقیت، تعهد و تلاش بسیار لازم است. هر یک از منابع تأمین مالی دارای امکانات و موانعی است و هر کدام مزایا و اشکالاتی دارد. اما صرف نظر از اینکه کدام یک انتخاب می‌شوند، همگی آنها نیازمند حمایت مدیریتی، تمرکز و سرمایه‌گذاری هستند. تأمین مالی دانشگاه‌ها بایستی حتماً همراه با برنامه و استراتژی مشخص و مدونی باشد که برآمده از خرد جمعی آن دانشگاه است و با استفاده از همفکری عموم دانشگاهیان تدوین شده است. همچنین، دانشگاه‌ها بایستی نسبت به هر نوع حمایت مالی احترام قائل شوند و قدردان هر میزان کمک باشند.

توسعه و تقویت شبکه روابط با اهداء کنندگان یک عامل کلیدی است که زمانبر بوده و نیازمند آشنایی با مهارت های ارتباطی دقیق است. بنابر این، برای انتخاب کسانی که در دانشگاه برای این امر مشغول به کار می شوند بایستی نهایت دقت صورت گیرد. به علاوه، لازم است هر گونه تلاش برای ایجاد یک شبکه قوی ارتباطی با حامیان مالی اعم از افراد، بنیادها، شرکت ها یا حامیان بخش عمومی بایستی از سوی مسئولان و مدیران دانشگاهی به مثابه نوعی سرمایه گذاری نگریسته شود.

در مجموع، یک اصل اساسی این است که فارغ از اینکه چه روشی انتخاب می شود، مهم است که دانشگاه اطمینان حاصل کند که در جهت تقویت فعالیت های عام المنفعه کار می کند و منابع مالی کسب شده، دانشگاه را در مسیر تحقق رسالت هایش یاری می رساند.

جمع بندی پیشنهادها

ایجاد دفتری به نام دفتر تأمین مالی مردمی در دانشگاه‌ها - دفتر تأمین مالی مردمی به لحاظ ساختار سازمانی مستقیماً زیر نظر رئیس دانشگاه فعالیت کند. در انتخاب کارکنان دفتر تأمین مالی مردمی دقت زیادی صورت گیرد به طوری که دارای ویژگی هایی از جمله : دارای روابط عمومی خوب، مشهور به پاکدستی و دارای روحیه خلاق و ترجیحاً با علوم اقتصادی و یا IT آشنایی داشته باشند.

تقویت زیرساخت های IT دانشگاه به مقدار بسیار زیاد
اصلاح قوانین مالیاتی کشور به نفع اهداء کنندگان به دانشگاه یعنی کمک به دانشگاه جزو هزینه های قابل قبول مالیاتی تلقی شود.

تسهیل در نامگذاری بخش ها یا قسمت هایی از دانشگاه یا دانشکده به اهداء کنندگان
ایجاد گروه هایی در شبکه های مجازی (مثل واتساپ یا اینستاگرام یا ...) با عضویت اهداء کنندگان به دانشگاه یا دانشکده و ارائه گزارش در مورد اثربخشی و کارایی کمک های آنها
ایجاد شبکه های ارتباطی واقعی با اهداء کنندگان توسط دانشگاه و برگزاری جلسات و نشست های هم اندیشی رئیس دانشگاه با آنها به طور منظم

برگزاری مراسم تجلیل از اهداء کنندگان توسط دانشگاه و اهدای لوح یادبود و قدردانی به

اهداء کنندگان

تأسیس موزه دانشگاه و امضای دفتر یادبود توسط اهداء کنندگان و نگهداری و نمایش آن دفتر در موزه دانشگاه

ایجاد شبکه بین دانشگاهی برای به اشتراک گذاری تجارب دانشگاه‌ها در زمینه تأمین مالی

کاهش بروکراسی و پیچ و خم های اداری دریافت کمک و اعانات

اطلاع رسانی شفاف دانشگاه در مورد وضعیت مصارف بودجه به ذینفعان و مشتریان داخلی دانشگاه

انجام تحلیل هزینه در دانشگاه. به موازات استراتژی افزایش درآمد اختصاصی و تنوع بخشی به تأمین مالی، بایستی استراتژی کاهش هزینه ها نیز دنبال شود. البته بایستی دقت شود تا کاهش هزینه های دانشگاه تأثیر منفی بر عملکرد و کارکردهای اصلی دانشگاه نگذارد.

به موازات استراتژی افزایش درآمد اختصاصی دانشگاه و تنوع بخشی به تأمین مالی، بایستی استراتژی کاهش اتلاف منابع نیز دنبال شود. (استراتژی کاهش هزینه ها متفاوت از استراتژی کاهش اتلاف منابع است).

مشاوره با سازمان بهینه سازی مصرف انرژی به منظور کاهش اتلاف انرژی فروش صوت و یا فیلم مطالب درسی مهم و پرمقتضی که توسط استادان برجسته دانشگاه تهیه شده است (به موازات این امر، با هدف تقویت کارکردهای هنجاری دانشگاه، ارائه رایگان برخی از این دوره ها هم توصیه می شود)

ایجاد، افزایش و یا ارتقاء کیفیت برگزاری دوره های کوتاه مدت حضوری

ایجاد، افزایش و یا ارتقاء کیفیت برگزاری دوره های کوتاه مدت آنلاین و یا آفلاین

هر دانشگاه، بر اساس اولویت های خود، اقدام «فعالیت - هزینه» تعریف کند و اطلاع رسانی عمومی نماید و از سازمان های خیریه و افراد خیر و داوطلب بخواهد آن را تأمین مالی کنند. (مثلاً طلب مدد از افراد نیکوکار برای تمهید مالی انواع بورس های تحصیلی دانشجویی می تواند مرکزیت مردمی سازی تأمین مالی دانشگاه را تشکیل دهد).

ایجاد و تقویت ستاد جذب خیرین در دانشگاه و ارتباط مؤثر با مراجع کمپینی توسط وزارت علوم با هدف دریافت اعانات برای مخارج آموزش عالی و برای کل دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و موسسات پژوهشی برگزار شود. تأسیس شرکت سرمایه گذاری توسط وزارت علوم با هدف درآمدزایی: مثلاً با نام شرکت سرمایه گذاری آموزش عالی (شسا) یا شرکت سرمایه گذاری برای آموزش عالی (شسبا) ایجاد بانک آموزش عالی
ایجاد شرکت بیمه آموزش عالی

صص ۳۳۱-۲۸۵

- روشن، احمدرضا(۱۳۸۵) بررسی راهکارهای تحقق استقلال مالی دانشگاه‌ها، طرح تحقیقاتی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- روشن، احمدرضا(۱۳۸۷) راهکارهای تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی در بخش آموزش عالی، طرح تحقیقاتی، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- روشن، احمدرضا (۱۳۸۸)، خصوصی سازی آموزش عالی در ایران، انتشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش علم.
- روشن، احمدرضا(۱۳۹۱) چند پیشنهاد برای افزایش منابع مالی دانشگاه‌های دولتی، روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۲ آذر ۱۳۹۱.
- روشن، احمدرضا(۱۳۹۳) سهم وزارت علوم از بودجه ۹۴، سایت فرارو،
<https://fararu.com/fa/news/225217/%D8%B3%D9%87%D9%85-%D9%88%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%AA-%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85-%D8%A7%D8%B2-%D8%A8%D9%88%D8%AF%D8%AC%D9%87-94>
- ساختمانیان، زهراء(۱۳۹۷) چالش مدیریت مالی دانشگاه‌ها، خبرگزاری مهر، ۱۹ دی ۱۳۹۷.
- شناسنامه قانون (۱۴۰۰) قانون بودجه ۹۸ کل کشور، شناسنامه قانون، برگرفته در تاریخ ۱۸ خرداد ۱۴۰۰، <https://shenasname.ir/laws/budjet/budjet-98>
- فرهیختگان(۱۳۹۷) دانشگاه‌های معتبر دنیا چطور ۹۰ درصد مستقل شدند؟، فرهیختگان، ۱۲ آذر ۱۳۹۷. <http://farhikhtegandaily.com/print/> ۲۳۸۲۶
- نادری، ابوالقاسم (۱۳۸۳) اقتصاد آموزش، انتشارات یسپرون، تهران
- نظریور، محمدتقی(۱۳۹۸) بودجه ۹۸ و مشکلات پیش روی دانشگاه‌ها، سایت وزارت علوم،
<https://www.msrt.ir/fa/news/48963/%D%A%D9%88%D8%AF%D8%AC%D9%87-94>

%DB%B۹/DB%B۸-%D۹/۸۸-%D۹/۸۵/D۸/B۴/DA%A۹/D۹/۸۴/D۸/AY/D۸/AA-
 %D۹/BE%DB/۸C%D۸/B۴-%D۸/B۱/D۹/۸۸/DB/۸C-
 %D۸/AF%D۸/AY/D۹/۸۶/D۸/B۴/DA%AF%D۸/AY/D۹/۸۷-%D۹/۸۷/D۸/AY

- نظریور، محمدتقی (۱۳۹۹) مدیریت آموزش عالی باید مبتنی بر مدیریت هزینه‌ها و صرفه‌جویی و تنوع منابع درآمدی باشد، سایت وزارت علوم،

<https://www.msrt.ir/fa/news/۵۴۴۸۵/%D۹/۸۵/D۸/AF%DB/۸C%D۸/B۱/DB/۸C%D۸/AA-%D۸/A۲/D۹/۸۵/D۹/۸۸/D۸/B۲/D۸/B۴-%D۸/B۹/D۸/AY/D۹/۸۴/DB/۸C-%D۸/AA/D۸/AY/DB/۸C%D۸/AF-%D۹/۸۵/D۸/AA%D۹/۸۶/DB/۸C-%D۸/AA/D۸/B۱-%D۹/۸۵/D۸/AF%DB/۸C%D۸/B۱/DB/۸C%D۸/AA-%D۹/۸۷/D۸/B۲/DB/۸C%D۹/۸۶/D۹/۸۷-%D۹/۸۷/D۸/AY-%D۹/۸۸-%D۸/B۵/D۸/B۱/D۹/۸۷/D۹/۸۷-%D۸/AC%D۹/۸۸/DB/۸C%DB/۸C-%D۹/۸۸-%D۸/AA%D۹/۸۶/D۹/۸۸/D۸/B۹-%D۹/۸۵/D۹/۸۶/D۸/AY/D۸/AA%D۸/B۹-%D۸/AF%D۸/B۱/D۸/A۲/D۹/۸۵/D۸/AF%DB/۸C-%D۸/AA/D۸/AY/D۸/B۴/D۸/AF>

- مظاهری، ابوالفضل (۱۳۹۸) دانشگاه‌های دولتی و چالش درآمدزایی، روزنامه فرهیختگان، <http://fdn.ir/>، ۲۹۷۹۶

- Architecture in Development (2019) Support our crowdfunding Campaign, https://architectureindevelopment.org/aidmessages.php?id=۳۸&gclid=EAIaIQobChMIhMG_۲uTg۶AIVibHtCh۳v۱wXvEAAAYASAAEgILHfD_BwE.
- Arrow, K. J. (1962). "Economic Welfare and the Allocation of Resources for Innovation." In The Rate and Direction of Technical Change, R. Nelson, editor. New York: National Bureau of Economic Research. Chapter pages in book: (p. 609 - 626).
- Barham, James A. (2021) The 100 Richest Universities: Their Generosity and Commitment to Research, The Best Schools, <https://thebestschools.org/features/richest-universities-endowments-generosity-research/#top-۱۰>.

- Barr, Nicholas(2004) Higher Education Funding, Oxford Review of Economic Policy, vol. 20, no.2, pp. 264-284.
- Brown, K. M. (1998). *Downsizing science*. Washington, DC: The AEI Press.
- Chuffed(2020) Crowdfunding: What is it and how can it help my charity fundraising?, https://chuffed.org/academy/articles/detail/crowdfunding-what-is-it-and-how-can-it-help-my-charity-fundraising?utm_source=google&utm_medium=cpc&utm_campaign=Chuffed+Grant+++AU+-+EN+-+DSAs+++All+-+All&utm_content=Crowdfunding&utm_term=&gclid=EAIaIQobChMIhMG_۲uTg۶AIVibHtCh۳v\wXvEAAAYAiAAEgIFl_D_BwE
- Committee for Melbourn(2014) Discussion Paper on Funding and Financing Infrastructure in Victoria, http://melbourne.org.au/docs/funding--financing-infrastructure-in-victoria-_members-note_.pdf
- Commons, John R. (1970) The economics of collective action, Edited with introd. and supplementary essay by Kenneth H. Parsons, With a biographical sketch by Selig Perlman, Madison : University of Wisconsin Press.
- Davies, Paul(2016) Funding or financing - a policy confusion, <https://www.linkedin.com/pulse/funding-financing-policy-confusion-paul-davies>
- Delanty, Gerard (2003) *Ideologies of the Knowledge Society and the Cultural Contradictions of Higher Education*. Policy Futures in Education, 1 (1). pp. 71-82. ISSN 1478-2103
- ESIB (2005) Financing of Higher Education, The National Unions of Students in Europe, Bergen, Norway.
- Foray, Dominique (2006), “Optimizing the use of knowledge”, in Brian Kahin and Dominique Foray (eds.), *Advancing Knowledge and the Knowledge Economy*, MIT Press, Cambridge, MA., pp. 9-15.
- Haneef, Aslam Mohamed (2009) Research in Islamic Economics: The Missing, Paper Presented at third Islamic Economics Congress, 12-24 January 2009, Kuala Lumpur
- Hénard, F. and A. Mitterle (2010), *Governance and quality guidelines*

in Higher Education. A review of governance arrangements and quality assurance guidelines, OECD, Paris.

- Hénard, Fabrice & Mitterle, Alexander (2010) GOVERNANCE AND QUALITY GUIDELINES IN HIGHER EDUCATION: A review on governance arrangements and quality assurance guidelines, OECD.
- Ibrisevic, Ilma(2018) Top Funding Sources for Nonprofits and Charities, <https://donorbox.org/nonprofit-blog/nonprofit-funding-sources/>
- Ligatne, Agnese (۲۰۱۳) THE COMPARATIVE ANALYSIS OF HIGHER EDUCATION GOVERNANCE INDICATORS AND ITS EFFECTIVENESS IN EUROPEAN COUNTRIES, in: Economic and Social Development: Book of Proceedings of the 2nd International Scientific Conference, Paris, France, 5th April 2013, Editors: Davor Filipovic and Anita Goltnik Urnaut. P. 493-504
- Longman (1989) Longman dictionary of scientific usage, LONGMAN GROUP LIMITED, RUSSKY YAZYK PUBLISHERS, MOSCOW.
- Llorente, R., and Morant, M. (2015). "Crowdsourcing in Higher Education," in *Advances in Crowdsourcing*, F. Garrigos-Simon, I. Gil-Pechuán and S. Estelles-Miguel (eds.). Zuerich, Switzerland: Springer, pp. 87-96.
- Longman (2009) Dictionary of American English, Pearson Education Limited, England
- Masten, S. E. (1995). Old school ties: Financial aid coordination and the governance of higher education. *Journal of Economic Behavior and Organizations*, 28, 23- 47
- OECD (2014), *Education at a Glance 2014: OECD Indicators*, OECD Publishing. <http://dx.doi.org/10.1787/eag-2014-en>
- Russel, John Dale (1967) The finance of Higher Education, The University of Chicago Press.
- Sanyal, Bikas C. (2001) New functions of higher education and ICT to

- achieve education for all, International Institute for Educational Planning, UNESCO.
- Schäfer, M. S., et al. (2018). Selling science 2.0: What scientific projects receive crowdfunding online? *Public Understanding of Science*, 27(5), 496–514. <https://doi.org/10.1177/0963662516668771>.
 - Science Exchange Team (2012) Crowdfunding as the future of science funding?, <https://blog.scienceexchange.com/2012/05/crowdfunding-as-the-future-of-science-funding/>
 - Tilak, Jandhyala (2000) Higher Education in Developing Country (Book Review), *Minerva*, Vol.38
 - Tonderai, Michael (2007) Widening Access in Higher Education in Zimbabwe- Higher Education Policy- Vol. 20, Iss.2
 - Walker, Melanie(2008) ‘Capabilities and what else? Principles for praxis pedagogies in higher education’. Plenary presentation at the IV Congreso Universidad y Cooperacion al Desarrollo, Barcelona 12-14 November 2008. Available at: <https://www.nottingham.ac.uk/educationresearchprojects/documents/developmentdiscourses/rpgwalkermclean10.pdf>
 - William Landes Foster, Peter Kim, and Barbara Christiansen,(2009) “Ten Nonprofit Funding Models,” *Stanford Social Innovation Review* (Spring 2009), pp. 32-39, available at: http://www.ssireview.org/pdf/2009SP_Feature_Foster_Kim_Christiansen.pdf
 - Woodhall, Maureen (2004) Cost-benefit analysis in educational planning, UNESCO: International Institute for Educational Planning – Paris 2004- Fourth edition

لیست گزارش‌های تخصصی

۱. گسست و بازیبوست آموزش پزشکی به آموزش عالی یا ادغام آموزش پزشکی در وزارت بهداشت؟ (حمید جاودانی)
۲. بررسی تطبیقی ساختار دانشگاه‌ها در کشورهای دنیا و ایران در جهت پیشنهادی برای کوچک‌سازی دانشگاه‌ها و گروه‌های تحصیلی (سمیه فریدونی)
۳. شناسایی و حمایت از استعداد‌های برتر و نخبه در کشورهای دنیا و ایران (مهتاب پورآتشی)
۴. مطالعه تطبیقی دوره‌های آموزشی کوتاه مدت در کشورهای دنیا (با اولویت کشورهای پیشرو) و رهیافت‌هایی برای ایران (مهتاب پورآتشی)
۵. جهانی شدن دانشگاه‌ها در ایران؛ تحول در برنامه درسی دانشگاهی (زهره رشیدی)
۶. تحلیل وضعیت کیفیت آموزشی در دانشگاه‌های ایران و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن (زهره رشیدی)
۷. الزامات و زیرساخت‌های لازم برای جذب دانشجوی بین‌المللی در ایران (یعقوب انتظاری)
۸. الزامات و زیرساخت‌های جذب دانشجویان بین‌المللی به ایران (غلامرضا ذاکر صالحی)
۹. بررسی انواع کادر علمی و تعاریف و جایگاه آن (آموزشگر، محقق و ...) در دانشگاه‌های پیشرفته دنیا و چگونگی ارتقای مرتبه آنها و ارائه پیشنهادهایی برای ایران (اصغر زمانی)
۱۰. شناسایی حوزه‌های جدید درسی و رشته‌ای در دانشگاه‌های برتر دنیا و ارائه پیشنهاداتی برای دانشگاه‌های ایران (سیده مریم حسینی لرگانی)
۱۱. تحلیلی بر توزیع استانی بودجه آموزش عالی در ایران (مبانی نظری و کاربردهای سیاستگذاری) (یعقوب انتظاری)
۱۲. روش‌های نوین تدریس در دانشگاه‌ها؛ یادگیری مبتنی برمسأله (راهنمای تدریس) (زهره رشیدی)
۱۳. آسیب‌شناسی سیاست‌های بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو (سمیه فریدونی)
۱۴. اکوسیستم ملی تحقیقات چارچوب مفهومی و داده‌های ایران (یعقوب انتظاری)
۱۵. تحلیلی بر سیاست تمرکززدایی از برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران (زهره رشیدی)
۱۶. آسیب‌شناسی و تحلیل برنامه‌های توسعه آموزش عالی ایران و ارائه الگویی برای ساختار و فرایند تدوین برنامه هفتم توسعه (احمدرضا روشن و سیده مریم حسینی لرگانی)
۱۷. شیوه‌نامه تدوین برنامه درسی دانشگاهی (سیده مریم حسینی لرگانی)
۱۸. روش‌های نوین ارزیابی یادگیری دانشجویان به شیوه برخط (اصغر زمانی - مهتاب پورآتشی)
۱۹. آسیب شناسی تعدد مراکز تصمیم‌گیری در آموزش عالی و پراکندگی قوانین و مقررات: مطالعه موردی تداخل وظایف و اختیارات شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت عتف و ارائه راهکارهایی برای برون رفت از آن (احمدرضا روشن)
۲۰. ساماندهی آموزش عالی به‌منظور توسعه محلی و منطقه‌ای: ساماندهی آموزش عالی به مثابه ساخت اکوسیستم دانش و دانش‌بنیان در استان‌ها (یعقوب انتظاری)
۲۱. برنامه‌ریزی راهبردی دانشگاه: تحلیلی بر منتخبی از اسناد برنامه راهبردی دانشگاه‌های جهان و ایران (مهتاب پورآتشی)